

FOREX TRADING



THE BASICS EXPLAINED IN
SIMPLE TERMS

JIM BROWN

معامله‌گری فارکس

اصول اولیه به زبان ساده توضیح داده شده است

نویسنده: جیم براون

ترجمه: سانی بورس

مقدمه

امیدوارم این کتاب برای کسب درک از اصول اولیه معامله‌گری فارکس مفید واقع شود و با این اطلاعات، شما نیز به یک معامله‌گر موفق تبدیل شوید.

دانش من در زمینه معامله‌گری ارز به بیش از ۱۴ سال میرسد و از نمودارهای دستی قدیمی در سال ۲۰۰۲، زمانی که برای اولین بار شروع کردم، تا معامله‌گری در چندین صفحه نمایش و ورود به عرصه معامله‌گری خودکار تکامل یافته است. در طول این مدت، من بسیاری از سیستم‌های معاملاتی را به صورت رایگان توسعه داده و به اشتراک گذاشته‌ام و همچنین از طریق وبلاگ‌ها و مشارکت در انجمن‌های مختلف، به بسیاری از معامله‌گران جدید کمک کرده‌ام.

این کتاب برای کسانی است که تازه شروع به در نظر گرفتن معامله‌گری فارکس کرده‌اند اما با توجه به وفور اطلاعات در اینترنت، نمیدانند از کجا شروع کنند. این اولین کتابی است که برای درک اصول اولیه باید خوانده شود.

من عمداً توضیحات را بسیار ساده و سراسرست نگه داشته‌ام تا همه بتوانند آن را بفهمند.

با احترام

جیم

فهرست مطالب

[فصل ۱: به دنیای معامله‌گری فارکس خوش آمدید](#)

فارکس چیست؟

چرا فارکس؟

مزایای معامله‌گری فارکس

بازار فارکس چه زمانی باز است؟

[فصل ۲: در بازار فارکس چه چیزی معامله میکنیم؟](#)

جفت ارزهای فارکس - اعداد چه معنایی دارند؟

فارکس را کجا معامله میکنیم؟

در مورد انتخاب بروکر چطور؟

[فصل ۳: چگونه واقعاً فارکس معامله میکنید؟](#)

اطلاعات مهم برای معامله‌گران مستقر در ایالات متحده

اندازه لات و ارزش پیپ معادل

اطلاعات مربوط به ریسک

[فصل ۴: تحلیل بنیادی یا تکنیکال؟](#)

اخبار و تحلیل بنیادی

تحلیل تکنیکال

[فصل ۵: اطلاعات بیشتر در مورد جزئیات فارکس](#)

نسبت ریسک به پاداش

انواع سفارشات

چند پیپ کافی است؟

[فصل ۶: روانشناسی معامله‌گری](#)

روانشناسی معامله‌گری

[فصل ۷: زمان معامله](#)

معامله‌گری روزانه یا معامله‌گری بلندمدت؟

نگهداری ژورنال یا دفترچه خاطرات

[فصل ۸: نتیجه‌گیری](#)

[سیستم معاملاتی جایزه](#)

مقدمه

تمپلیت و اندیکاتورهای سفارشی

نظرات من در مورد معامله‌گری

سیگنال‌های ورود

مدیریت معامله

نتیجه‌گیری

مطالعه پیشنهادی

انجمن‌های پیشنهادی

فصل ۱

به دنیای معامله‌گری فارکس خوش آمدید

بنابراین شما در مورد معامله‌گری فارکس شنیده‌اید و اکنون کنجکاو هستید که آن را بررسی کنید، اما واقعاً نمی‌دانید از کجا شروع کنید. خب، شما به جای درستی آمده‌اید، زیرا این کتاب شما را با اصول اولیه آشنا می‌کند، فارکس را به روشی ساده و روان توضیح می‌دهد و اطلاعات کافی برای شروع زود هنگام شما در دنیای هیجان‌انگیز معامله‌گری فارکس در اختیارتان قرار می‌دهد.

فارکس چیست؟

فارکس اصطلاح رایجی است که برای توصیف تبادل ارزهای خارجی استفاده می‌شود. به آن معامله‌گری ارز یا فقط معامله‌گری FX نیز گفته می‌شود و هر از چند گاهی ممکن است به آن Spot FX نیز گفته شود.

اساساً معامله‌گری ارزهای مختلف جهان است. معامله‌گری ارزها کمی متفاوت از معامله‌گری سهام است، زیرا ارزها در مقابل یکدیگر معامله می‌شوند. منظورم این است که شما ارز یک کشور را با ارز کشور دیگری مقایسه می‌کنید. آنقدرها هم که به نظر می‌رسد گیج‌کننده نیست، پس با من همراه باشید.

چرا باید بخواهم فارکس معامله کنم؟

سوال خوبی است! بیشتر مردم در مورد معامله‌گری سهام، شاید حتی معاملات آتی و اختیار معامله شنیده‌اند. آن‌ها سال‌هاست که وجود داشته‌اند و شاید پدر بزرگ و مادر بزرگ‌های شما نیز آن‌ها را معامله کرده باشند. اما من به شما اطمینان می‌دهم که آن‌ها فارکس معامله نمی‌کردند، مگر اینکه افراد فوق‌العاده ثروتمندی بودند یا برای یک بانک بزرگ کار می‌کردند. تنها در حدود ۱۵ سال اخیر است که صنعت خرده‌فروشی فارکس برای افرادی مانند من و شما باز شده است، جایی که می‌توانید با یک سپرده بسیار کوچک در یک حساب کارگزاری شروع به معامله کنید. بدیهی است که محبوبیت اینترنت به ایجاد این رونق کمک کرده است، زیرا حدود ۹۹/۹٪ از کل معاملات به صورت آنلاین انجام می‌شود.

چرا فارکس؟

اول اینکه، این به مراتب نقدشونده‌ترین بازار در جهان است که ۲۴ ساعت شبانه‌روز و ۵ و نیم روز در هفته فعال است. فقط برای اینکه منظورم را متوجه شوید، در اوایل سال ۲۰۱۴ و طبق گزارش بانک تسویه بین‌المللی، میانگین معاملات فارکس به ۵/۳ تریلیون دلار در روز افزایش یافت. برای درک بهتر این موضوع، این مبلغ به طور متوسط ۲۲۰ میلیارد دلار در ساعت می‌شود. در واقع، ۳۰ روز معامله در بورس نیویورک لازم است تا با یک روز معامله در فارکس برابری کند.

این ارقام بسیار بزرگ هستند! هیچ راه دیگری برای بیان آن وجود ندارد. اما بدیهی است که این موضوع تأثیر چندانی بر معامله‌گر متوسط ندارد، جز اینکه نقدینگی بسیار خوبی را در اختیار آن معامله‌گر قرار می‌دهد، به این معنی که اگر بخواهید هر یک از ۱۰ جفت ارز برتر را بخرید یا بفروشید، هرگز مشکلی در عدم دسترسی به آن جفت ارز برای معامله وجود نخواهد داشت. همچنین با این حجم معاملات روزانه، معامله‌گر متوسطی مانند من و شما مطلقاً هیچ شانس برای تأثیرگذاری بر جهت بازار نداریم.

مزایای معامله‌گری فارکس

از آنجایی که بازار فارکس در طول هفته به طور مداوم ۲۴ ساعته فعال است، شکاف قیمتی بسیار کمی در آن رخ می‌دهد، که می‌تواند یک مشکل رایج در معامله‌گری سهام باشد. برای مثال، ممکن است سهام XYZ را در روز سه‌شنبه درست قبل از بسته شدن بازار به قیمت ۲۴/۲۰ دلار خریده باشید و حد ضرر را در ۲۳/۵۰ دلار تعیین کرده باشید تا از ضررهای عمده جلوگیری کنید. در طول شب، زمانی که بازار بسته است، یک خبر مهم منتشر می‌شود که بر معامله‌گری شرکت XYZ تأثیر می‌گذارد و بازار در صبح روز چهارشنبه با قیمت ۲۲/۱۰ دلار برای XYZ باز می‌شود. نه تنها ۳/۱۰ دلار در طول شب شکاف قیمتی رو به پایین داشته است، بلکه ۱/۴۰ دلار زیر حد ضرر شما نیز باز شده و ضرر بسیار بیشتری از آنچه انتظار داشتید به شما وارد کرده است.

این اتفاق به ندرت در معامله‌گری فارکس رخ می‌دهد، اما با این حال ممکن است اتفاق بیفتد، به خصوص در آخر هفته زیرا این تنها زمانی است که بازار فارکس بسته است. اما نادر است! می‌توانم یک مثال بزنم که در یک آخر هفته غافلگیر شدم. اواخر سال ۲۰۰۳، من در موقعیت‌های باز در طول آخر هفته بودم که اساساً بر خلاف دلار آمریکا معامله می‌کردم، و سپس نیروهای آمریکایی صدام حسین را دستگیر کردند. این خبر برای دلار آمریکا بسیار مثبت بود، که سپس در روز دوشنبه با قیمت بسیار بالاتری باز شد و ضرر مالی به من وارد کرد. من درس خود را گرفتم و به ندرت در طول آخر هفته موقعیت‌های باز دارم.

همانطور که به زودی خواهید دید، در مورد معامله‌گری فارکس، شما فقط تعداد کمی جفت ارز برای انتخاب دارید. این سبب بسیار کوچکی در مقایسه با تعداد انتخاب‌های سهامی است که

دارید. در بورس‌های سهام ایالات متحده، هزاران سهام برای انتخاب وجود دارد. در اینجا شما با مشکل پیدا کردن سوزن در انبار کاه مواجه هستید. خواهید دید که انتخاب‌های فارکس شما بسیار بسیار محدودتر است، بنابراین قطعاً جستجو و تجزیه و تحلیل بسیار کمتری مورد نیاز است. تمام تلاش و تمرکز شما می‌تواند در یک زمینه بسیار محدود هدف قرار گیرد، بنابراین می‌توانید زودتر به معامله‌گری بپردازید.

هنگامی که نگاهی به چند نمودار مختلف فارکس بیندازید، که بعداً در مورد آن‌ها بحث خواهیم کرد، روندهای بسیار خوب و همواری را خواهید دید که به نظر می‌رسد اغلب رخ می‌دهند. اکنون این چیزی است که اگر قبلاً هیچ ابزار مالی معامله نکرده باشید، به خصوص اگر هرگز به نمودارها نگاه نکرده باشید، ممکن است آن را درک نکنید. برای معامله‌گران سهام، شما به خوبی آگاه خواهید بود که سهام‌هایی هستند که برای مدتی طولانی در یک محدوده گیر می‌کنند، یا نمودارهای سهامی که شکاف‌های زیادی و ظاهری عموماً ناخوشایند نشان می‌دهند. من نمی‌گویم که فارکس در محدوده حرکت نمی‌کند. این کار را می‌کند، باور کنید، اما وقتی از آن خارج می‌شود معمولاً چیز بسیار خوبی است. هنگامی که شروع به نگاه کردن به نمودارها کنید، این را درک خواهید کرد.

هزینه پایین معامله‌گری نیز مهم است. بیشتر معاملات به صورت الکترونیکی از طریق اینترنت و در حساب آنلاین کارگزاری منتخب شما انجام می‌شود. هزینه هر معامله بسیار کم است زیرا معمولاً کمیسیون در کار نیست، با این حال شما باید اسپرد را پوشش دهید. این موضوع به زودی توضیح داده خواهد شد، اما با توجه به اینکه اسپرد برخی از جفت ارزها اکنون کمتر از یک پیپ است، معامله‌گری می‌تواند بسیار ارزان باشد.

علاوه بر هزینه پایین، می‌توانید با مبلغ بسیار کمی، و در برخی موارد، فقط چند صد دلار، یک حساب در یک کارگزاری باز کنید. البته شما از این طریق میلیون‌ها دلار به دست نخواهید آورد، اما این یک شروع است. من بعداً به موضوع کارگزاری‌ها خواهیم پرداخت.

برخی دیگر از مزایای معامله‌گری فارکس

بنابراین ما به جایی برای معامله نیاز داریم و همانطور که قبلاً گفته شد، همه این کارها به صورت آنلاین از طریق اینترنت انجام می‌شود. نکته خوب در این مورد این است که اکثر کارگزاری‌ها پلتفرم‌های نمایشی نامحدودی را ارائه می‌دهند که در آن می‌توانید تا هر زمان که بخواهید بدون ریسک کردن پول خودتان، معامله‌گری را تمرین کنید. اگر می‌خواهید روش‌ها

و ایده‌های معاملاتی مختلف را امتحان کنید، این بسیار عالی است. معمولاً به آن "معامله‌گری نمایشی" گفته می‌شود و هیچ دلیلی وجود ندارد که نتوانید هم حساب "واقعی" و هم حساب "نمایشی" را در یک کارگزاری داشته باشید. فقط مطمئن شوید که آن‌ها را با هم اشتباه نگیرید.

معامله‌گری نمایشی ابزار بسیار مفیدی است که در آن می‌توانید چیزهای مختلف را امتحان کنید و غیره، اما لطفاً توجه داشته باشید که معامله‌گری در حساب "نمایشی" اصلاً شبیه معامله‌گری در حساب "واقعی" نیست، زیرا در حساب "نمایشی" هیچ ریسکی وجود ندارد و بنابراین احساسات شما اصلاً دخیل نمی‌شوند. این مانند راه رفتن روی یک تخته چوب به ارتفاع ۱۵ سانتی‌متر از زمین است، در مقایسه با راه رفتن روی همان تخته چوب در ارتفاع سی متری. مطمئنم احساسات شما متفاوت خواهد بود، و همین امر در مورد معامله‌گری نیز صادق است. وقتی پول واقعی در میان باشد، شما متفاوت فکر و عمل خواهید کرد! در این مورد به من اعتماد کنید.

و برای یک قدم فراتر بردن این موضوع، داده‌های فارکس زنده و رایگان هستند. برخلاف بسیاری از داده‌های سهام که باید هزینه اشتراک داده ماهانه بپردازید یا با داده‌های ۱۵ دقیقه‌ای تأخیردار سر و کار داشته باشید، تمام داده‌های فارکس شما به صورت رایگان توسط پلتفرم معاملاتی کارگزاری منتخب شما ارائه می‌شود. بعداً در مورد کارگزاری‌ها و پلتفرم‌های آن‌ها بیشتر صحبت خواهم کرد.

بازار فارکس چه زمانی باز است؟

در اینجا به زمان‌های معامله‌گری خواهم پرداخت و همانطور که خواهید دید، زمان کافی برای معامله‌گری فارکس وجود دارد. همانطور که قبلاً گفته شد، این بازاری است که مدت زمان باز بودنش بیشتر از بسته بودنش است. همانطور که بیشتر مردم می‌دانند، اگر شما در حال معامله سهام بودید، این کار را از طریق یک بورس انجام می‌دادید، خواه بورس نیویورک باشد یا بورس استرالیا. معامله‌گری فارکس بورس مرکزی خاصی ندارد. تمام معاملات از طریق بانک‌ها یا بازارسازها انجام می‌شود، که اساساً همان کارگزارانی هستند که معامله‌گرانی مانند من و شما از آن‌ها استفاده می‌کنند.

معامله‌گری فارکس از مناطق زمانی جهان پیروی می‌کند و به سه منطقه زمانی اصلی تقسیم می‌شود.

اولین منطقه‌ای که باز می‌شود آسیا است که شامل نیوزیلند، استرالیا، سنگاپور، ژاپن و غیره می‌شود. این جلسه آسیایی نامیده می‌شود و معمولاً آرام‌ترین جلسه از نظر حجم معاملات است.

پس از آن، جلسه اروپا آغاز می‌شود. در این میان، معامله‌گران خاورمیانه نیز وارد عمل می‌شوند، و سپس تمام مراکز اصلی اروپا، که در نهایت لندن باز می‌شود. جلسه اروپا جلسه اصلی است زیرا معمولاً بیشترین حجم معاملات را دارد. همچنین باید به خاطر داشته باشید که لندن پایتخت مالی جهان است، اگرچه بیشتر مردم فکر می‌کنند وال استریت در ایالات متحده است.

آخرین جلسه‌ای که باز می‌شود جلسه ایالات متحده است، و این جلسه نیز می‌تواند بسیار پرجنب و جوش باشد، به خصوص در اوایل روز که ممکن است در برخی مواقع، اخبار مهمی منتشر شود که تأثیر زیادی بر خود دلار آمریکا داشته باشد. بنابراین ما سه جلسه معاملاتی داریم که با یکدیگر همپوشانی دارند. زمان‌های ثابتی وجود ندارد، فقط زمانی که بانک‌ها در هر شهر مالی بزرگ شروع به کار می‌کنند و حجم معاملات افزایش می‌یابد.

برای من که در استرالیا زندگی می‌کنم، می‌دانم که در طول روز اینجا، جلسه آسیا است، و پس از آن جلسه اروپا حدود ساعت ۵ بعد از ظهر شروع می‌شود و سپس جلسه ایالات متحده در ساعت ۱۱ شب آغاز می‌شود. من معمولاً حداکثر تا ساعت ۲ بامداد می‌خوابم، که نزدیک به وقت ناهار در ایالات متحده خواهد بود. خلاصه اینکه، شما می‌توانید در هر زمان معامله کنید، اما اگر قصد معامله در زمان باز شدن بازار لندن را دارید و در ایالات متحده زندگی می‌کنید، ممکن است مجبور شوید ساعت زنگ‌دار خود را تنظیم کنید و صبح خیلی زود از خواب بیدار شوید. هر منطقه زمانی مزایا و معایب خاص خود را دارد.

بسیاری از ساعت‌های آنلاین رایگان منطقه زمانی وجود دارند که به زمان‌های مختلف جلسات معاملاتی مربوط می‌شوند، بنابراین یافتن یک یا چند جلسه که با سبک زندگی شما مطابقت داشته باشد بسیار آسان است. همچنین می‌توانید اندیکاتورهای سفارشی رایگان پیدا کنید که زمان‌های مختلف جلسات معاملاتی را به وضوح روی نمودارهای معاملاتی شما نشان می‌دهند. این یک ابزار بصری عالی برای برخی افراد است.

فصل ۲

در بازار فارکس چه چیزی معامله می‌کنیم؟

بیایید شروع کنیم!

چندین جفت ارز وجود دارد که می‌توان آن‌ها را معامله کرد، اما اکثریت معامله‌گران فقط به گروهی حدود ۸ تا ۱۰ جفت ارز می‌چسبند. این انتخاب کافی است.

اول از همه، ما چیزی داریم که به آن "اصلی‌ها" می‌گویند. این‌ها به مراتب پرمعامله‌ترین جفت ارزها هستند و بسیاری از معامله‌گران از معامله کردن فقط یک یا دو مورد از این‌ها راضی هستند.

اصلی‌ها عبارتند از:

EUR/USD

یورو در مقابل دلار آمریکا

USD/JPY

ین ژاپن در مقابل دلار آمریکا

GBP/USD

پوند بریتانیا در مقابل دلار آمریکا

USD/CHF

دلار آمریکا در مقابل فرانک سوئیس

توجه کنید که همه آن‌ها در مقابل دلار آمریکا هستند، بنابراین وقتی معامله‌گران در مورد این جفت ارزها صحبت می‌کنند، به سادگی آن‌ها را یورو، ین، پوند (یا کابل) و سویسی می‌نامند.

سپس چیزی داریم که به آن "جفت ارزهای درجه دوم" می‌گوییم و شامل موارد زیر است:

AUD/USD

دلار استرالیا در مقابل دلار آمریکا

USD/CAD

دلار آمریکا در مقابل دلار کانادا

NZD/USD

دلار نیوزیلند در مقابل دلار آمریکا

باز هم، این جفت ارزها همگی در مقابل دلار آمریکا هستند، بنابراین به سادگی به آن‌ها آزی، لونی و کیوی گفته می‌شود. اصطلاح لونی در واقع از اولین سکه یک دلاری کانادا گرفته شده است.

سپس جفت ارزهایی وجود دارند که به سادگی "کراس" نامیده می‌شوند و شامل جفت ارزهایی هستند که دلار آمریکا در آن‌ها وجود ندارد. برخی از کراس‌های محبوب‌تر عبارتند از:

EUR/JPY

یورو در مقابل ین ژاپن

GBP/JPY

پوند بریتانیا در مقابل ین ژاپن

EUR/GBP

یورو در مقابل پوند بریتانیا

تعداد بیشتری نیز وجود دارد، اما این سه احتمالاً پرمعامله‌ترین‌ها هستند. بسیاری از معامله‌گران ترجیح می‌دهند ارز کشور خود را معامله کنند زیرا احساس می‌کنند درک بهتری از آن دارند. شخصاً من استرالیایی هستم، اما به ندرت آزی (دلار استرالیا) را معامله می‌کنم زیرا برای بیشتر معاملاتم با معامله کردن جفت ارزهای اصلی بسیار راحت هستم. وقتی جفت ارزها با هم معامله می‌شوند، تمام این اعداد چه معنایی دارند؟

اولین ارزی که ذکر می‌شود، "ارز پایه" نامیده می‌شود و با ارز دوم، که "ارز مظنه" یا "ارز متقابل" نامیده می‌شود، مقایسه می‌گردد. اگر اخبار محلی خود را تماشا کنم و نزدیک به پایان آن یک گزارش مالی بسیار مختصر پخش شود که در آن گوینده خبر بگوید: "دلار استرالیا امروز در برابر دلار آمریکا کاهش یافت و به پایین‌ترین سطح ۷۱ سنت رسید."

اساساً آنچه آن‌ها می‌گویند این است که ارزش دلار استرالیا در مقایسه با دلار آمریکا کاهش یافته است و یک دلار استرالیا معادل ۰/۷۱ دلار آمریکا است. از آنجایی که دلار آمریکا ارز اصلی جهان است، خواهید دید که بیشتر گزارش‌های مالی ارز محلی شما را با آن و حتی برخی دیگر از ارزهای اصلی مانند یورو یا پوند بریتانیا مقایسه می‌کنند. با استفاده از همین مثال آزی در ۷۱ سنت، اگر بخواهم به خارج از کشور، مثلاً به ایالات متحده سفر کنم و به دلار آمریکا نیاز داشته باشم، امیدوار خواهم بود که بالاترین نرخ ممکن را بگیرم تا برای دلار استرالیای خود پول بیشتری دریافت کنم. بنابراین اگر نرخ ارز به ۷۵ سنت افزایش یابد، آنگاه یک دلار استرالیا معادل ۰/۷۵ دلار آمریکا خواهد بود. ممکن است مظنه AUD/USD را مشابه این ببینید: ۰.۷۱۲۸/۰.۷۱۲۵.

به زودی توضیح خواهم داد که چرا دو مجموعه عدد وجود دارد. اما فقط با نگاهی به ۰.۷۱۲۵، این نشان می‌دهد که برای خرید یک دلار از ارز پایه، به چند واحد از ارز مظنه/متقابل نیاز است. در این مورد، دلار آمریکا ارز مظنه/متقابل و دلار استرالیا ارز پایه است، بنابراین ۰/۷۱۲۵ دلار آمریکا برابر با ۱/۰۰ دلار استرالیا است. بنابراین اگر به ایالات متحده سفر کنم، هر دلار استرالیایی که دارم حدود ۷۱ سنت آمریکا ارزش دارد.

جفت ارزهای فارکس - اعداد چه معنایی دارند؟

بیایید یک مثال از یک جفت ارز را در نظر بگیریم:

اگر AUD/USD با قیمت ۰.۷۱۲۸/۰.۷۱۲۵ مظنه شده باشد، دقیقاً به چه معناست؟

رقم اول ۰.۷۱۲۵ قیمت "خرید" (bid) نامیده می‌شود.

رقم دوم ۰.۷۱۲۸ قیمت "فروش" (ask) نامیده می‌شود.

تفاوت بین این دو رقم "اسپرد" (spread) نامیده می‌شود.

اگر بخواهم آزی (دلار استرالیا) را بخرم، با این تصور که ارزش دلار استرالیا در مقایسه با دلار آمریکا افزایش خواهد یافت، باید قیمت فروش (ASK) را بپردازم که در این مورد ۰.۷۱۲۸ است.

از طرف دیگر، اگر فکر می‌کردم ارزش آزی در برابر دلار آمریکا در حال کاهش است و می‌خواستم آن را بفروشم، آن را با قیمت خرید (BID) ۰.۷۱۲۵ می‌فروختم.

حال اگر آزی را با قیمت ۰.۷۱۲۸ بخرم و سپس بلافاصله قبل از اینکه قیمت فرصت حرکت پیدا کند، موقعیت خود را ببندم، باید موقعیت را با فروش آزی با قیمت ۰.۷۱۲۵ ببندم.

اکنون یک اختلاف ۰.۰۰۰۳ وجود دارد که اسپرد نامیده می‌شود و این مبلغی خواهد بود که در این معامله از دست داده‌ام. در مورد آزی، هر حرکت ۰.۰۰۰۱ یک پیپ (یا گاهی اوقات یک

پوینت) نامیده می‌شود. بنابراین در این معامله، ۳ پیپ (یا ۳ پوینت) ضرر کرده‌ام.

تمام جفت ارزهایی که در بالا ذکر کردم، به جز جفت ارزهای JPY، معمولاً چهار رقم اعشار دارند و ارزش پیپ آن‌ها مشابه مثال آزی در بالا محاسبه می‌شود. جفت ارزهای JPY معمولاً فقط

دو رقم اعشار دارند. به عنوان مثال، USD/JPY می‌تواند به شرح زیر مظنه شود:

۹۷.۸۱/۹۷.۸۳

این به من می‌گوید که یک دلار آمریکا تقریباً برابر با ۹۷.۸ ین ژاپن است.

قیمت خرید ۹۷.۸۱ و قیمت فروش ۹۷.۸۳ است و یک اسپرد ۲ پیپی وجود دارد. در این مورد، هر حرکت ۰.۰۱ یک پیپ نامیده می‌شود.

مهم: امروزه اکثر کارگزاری‌ها یک رقم اعشار اضافی در قیمت‌های مظنه خود دارند. این امر در نتیجه کاهش اسپردها در طول سال‌ها به وجود آمده است.

زمانی که من برای اولین بار شروع به معامله کردم، یک اسپرد کوچک در EUR/USD ۳ پیپ بود، در حالی که امروزه معمول است که اسپرد این جفت ارز را ۰.۸ پیپ یا حتی کمتر ببینیم. از

این رو، این رقم اعشار اضافی به قیمت‌های مظنه اضافه شده است. اگر سه یا پنج رقم اعشار دیدید و بسته به دقت معامله‌گری شما، پیشنهاد می‌کنم فقط آخرین رقم را نادیده بگیرید. این ساده‌ترین راه است.

به عنوان مثال، اگر مظنه EUR/USD را به صورت ۱.۳۸۶۴۱/۱.۳۸۶۴۳ دیدید، به سادگی با حذف آخرین ارقام آن را به صورت ۱.۳۸۶۴/۱.۳۸۶۶ می‌خوانید. سپس می‌توانید ببینید که یک اسپرد ۲ پیپی دارید. این فقط برای ساده نگه داشتن آن است. اگر می‌خواستید دقیق باشید، در این مثال به سادگی ۴.۱ را از ۶.۳ کم می‌کنید تا اسپرد دقیق ۲.۲ پیپ به دست آورید. اینها فقط دو رقم آخر در مظنه هستند که رقم یکی مانده به آخر یک عدد صحیح پیپ است و رقم آخر نشان دهنده کسری از یک پیپ است. در ابتدا می‌تواند بسیار گیج کننده باشد. من، بسته به اینکه در کدام طرف ۰.۵ هستم، آن را به بالا یا پایین گرد می‌کنم تا بسیار ساده بماند.

در ادامه، به بحث در مورد کارگزاری‌ها و پلتفرم‌های مختلف موجود خواهیم پرداخت. این خود یک میدان مین است!

فارکس را کجا معامله می‌کنیم؟

برای دسترسی به پلتفرم معاملاتی یک کارگزاری، باید یک حساب کارگزاری آنلاین باز کنید. همانطور که قبلاً اشاره کردم، اکثر کارگزاری‌ها معامله‌گری نمایشی ارائه می‌دهند که در آن می‌توانید بدون ریسک کردن پول واقعی، معامله‌گری را تمرین کنید، این کمی شبیه بازی مونوپولی است. برای دسترسی به پلتفرم‌های نمایشی آن‌ها نیازی به واریز وجه به کارگزاری ندارید، زیرا اکثر آن‌ها کاملاً مایل هستند که بدون هیچ تعهدی آن‌ها را امتحان کنید. این همچنین به شما فرصت می‌دهد تا پلتفرم‌های مختلف را امتحان کنید و ببینید با کدام یک راحت‌تر هستید.

در مورد انتخاب بروکر چطور؟

این سؤال خوبی است و اگر در جامعه معامله‌گری بپرسید، پاسخ‌های متنوعی دریافت خواهید کرد. اولاً، من اکیداً پیشنهاد می‌کنم که یکی از کارگزاری‌های بزرگ و شناخته شده را انتخاب کنید. در این مورد به من اعتماد کنید!

صنعت خرده‌فروشی فارکس هنوز نسبتاً جوان است و قوانین و مقررات مشابه بسیاری از ابزارهای مالی معامله شده دیگر را ندارد. این عمدتاً به این دلیل است که هیچ بورس مرکزی در آن

دخیل نیست. اما با این وجود، بسیاری از دولت‌ها شروع به تدوین قوانین و مقرراتی کرده‌اند که حمایت بهتری از معامله‌گران فارکس ارائه می‌دهد. اما هشدار می‌دهم، هنوز هم "باکت شاپ" (کارگزاری‌های کلاهبردار) وجود دارند که در یک چشم به هم زدن شما را فریب می‌دهند. اخیراً شنیدم که یک کارگزاری مستقر در سوئیس با تمام وجوه مشتریان خود ناپدید شده است.

مطمئناً نمی‌خواهم کسی را بترسانم، اما لطفاً هوشیار باشید و عاقلانه انتخاب کنید. کارگزاری‌های خوب زیادی وجود دارند، بنابراین نیازی به وحشت و استرس در مورد این موضوع نیست. پیشنهاد دیگر این است که تمام وجوه خود را در یک کارگزاری قرار ندهید، به خصوص اگر مبلغ قابل توجهی دارید. منظور من این است که اگر مثلاً ۱۰۰,۰۰۰ دلار برای معامله داشتید (که نیازی به آن ندارید!)، من تمام این مبلغ را در یک کارگزاری واریز نمی‌کردم. در عوض، آن را بین دو یا چند کارگزاری تقسیم می‌کردم، یا وجوه را به صورت ذخیره نگه می‌داشتم و فقط در صورت نیاز آن‌ها را به کارگزاری خود واریز می‌کردم - شب‌ها راحت‌تر می‌خواهید!

مهم: در ژانویه ۲۰۱۵، بانک ملی سوئیس یک حرکت بزرگ انجام داد که طی آن فرانک سوئیس از یورو جدا شد و بازارهای مالی را غافلگیر کرد. این امر باعث یک جهش قیمت دیوانه‌وار، عظیم و غیرقابل معامله در جفت ارزهای مربوط به فرانک سوئیس شد که اساساً حساب‌های معاملاتی را از بین برد یا برخی معامله‌گران را به شدت سودآور کرد. این جهش همچنین برخی از کارگزاری‌های بزرگ و بسیار معتبر را از نظر مالی به ورشکستگی کشاند و باعث ورشکستگی یا انحلال برخی از آن‌ها شد. آلتپاری بریتانیا یکی از بازیگران اصلی بود که تحت تأثیر قرار گرفت و دیگر وجود ندارد. FXCM نیز با مشکل مواجه شد اما بهبود یافت. بنابراین مراقب باشید که وجوه خود را کجا قرار می‌دهید و فقط مبلغ مورد نیاز را واریز کنید.

بسیاری از معامله‌گران نیز ترجیح می‌دهند پول نقد سخت به دست آورده خود را در کشور خود نگه دارند و من این را درک می‌کنم، و باز هم این فقط یک اقدام امنیتی تلقی می‌شود. شخصاً من مشکلی با معامله با کارگزاری‌های خارجی ندارم. تجربیات گذشته من هیچ مشکلی در انتقال وجوه به هر دو طرف ایجاد نکرده است، بنابراین من کاملاً خوشحالم که از کارگزاری‌های خارجی استفاده کنم. من واقعاً چاره‌ای نداشتم زیرا تا چند سال پیش، هیچ کارگزاری مستقر در استرالیا وجود نداشت که با آن احساس راحتی کنم، اما این وضعیت از آن زمان تغییر کرده است.

تمام پلتفرم‌های معاملاتی کارگزاری یکسان نیستند و اینجاست که موضوع جالب می‌شود. به نظر می‌رسد هر پلتفرم مزایا و معایب خاص خود را دارد. شما باید چیزی را پیدا کنید که با آن

راحت باشید. یکی از محبوب‌ترین پلتفرم‌های معاملاتی فارکس متاتریدر یا به طور رایج‌تر MT4 نامیده می‌شود. این پلتفرم توسط انواع مختلف کارگزاری‌ها استفاده می‌شود. نحوه کار به این صورت است که شما به وبسایت کارگزاری منتخب خود می‌روید، در آن ثبت نام می‌کنید و سپس نرم‌افزار MT4 را از سایت آن‌ها دانلود می‌کنید. در اینجا می‌توانید معامله‌گری نمایشی یا واقعی یا هر دو را انتخاب کنید. بدیهی است که آن‌ها دستورالعمل‌های بیشتری در مورد نحوه واریز وجه به حساب کارگزاری خود ارائه می‌دهند. می‌توانید با جستجو در گوگل با عبارت Metatrader اطلاعات بیشتری در مورد MT4 کسب کنید.

شخصاً پلتفرم MT4 را یکی از بهترین‌ها می‌دانم، به خصوص برای نمودارها. کارهایی که می‌توانید با این پلتفرم انجام دهید کاملاً باورنکردنی است. اگرچه نمودارها و سایر ویژگی‌ها در پلتفرم MT4 عالی هستند، اما من از نحوه ثبت سفارشات چندان راضی نیستم. به آسانی که باید باشد نیست و گاهی اوقات می‌تواند کمی خسته‌کننده باشد. اما نمودارها عالی هستند، یا قبلاً این را گفته‌ام؟

من که استرالیایی هستم، برای پلتفرم MT4 خود از GoTrader یا Pepperstone استفاده می‌کنم و از هر دوی آن‌ها کاملاً راضی هستم. زیبایی پلتفرم MT4 در محبوبیت آن و قابلیت نوشتن کد کامپیوتری برای طراحی اندیکاتورهای سفارشی یا اکسپرت ادوایزرها (Expert Advisors) است. حتی انجمن‌ها و گروه‌های اختصاصی وجود دارند که فقط در مورد این پلتفرم بحث می‌کنند. اکثر پلتفرم‌های معاملاتی با مجموعه‌ای از اندیکاتورهای نموداری استاندارد ارائه می‌شوند. مواردی مانند میانگین متحرک، MACD، RSI، باندهای بولینگر و غیره. حال با MT4، می‌توانید اندیکاتورهای سفارشی خود را طراحی کرده و مستقیماً در پلتفرم معاملاتی خود و سپس روی نمودارهای خود دانلود کنید. اگر در حال حاضر کمی گیج‌کننده به نظر می‌رسد نگران نباشید، زیرا با آشنایی بیشتر با پلتفرم، واضح‌تر می‌شود. برای معامله کردن به این اندیکاتورهای سفارشی نیازی ندارید، و اگر علاقه مند به امتحان کردن آن‌ها هستید، بسیاری از معامله‌گران باهوش وجود دارند که قبلاً تمام کارهای سخت را انجام داده‌اند و آن‌ها را به صورت رایگان آنلاین در دسترس قرار داده‌اند. هزاران مورد از آن‌ها وجود دارد.

همچنین به اکسپرت ادوایزرها، که معمولاً به عنوان EA یا "ربات‌های معاملاتی" شناخته می‌شوند، اشاره کردم. این یک برنامه نرم‌افزاری است که روی پلتفرم شما و سپس روی نمودارهای منتخب بارگذاری می‌شود. یک EA کاملاً خودکار، پس از فعال شدن، شروع به کار می‌کند تا معاملاتی را که مطابق با معیارهای معاملاتی آن هستند شناسایی کند، بدون دخالت انسان

معامله را باز کند، بدون دخالت انسان معامله را مدیریت کند و در نهایت بدون دخالت انسان معامله را ببندد. همه چیز خیلی آسان به نظر می‌رسد، اینطور نیست! باز هم می‌توانید خودتان آن را طراحی کنید یا اجازه دهید شخص دیگری این کار را برای شما انجام دهد. آن‌ها به اندازه اندیکاتورهای سفارشی به صورت رایگان در دسترس نیستند، اما مطمئناً محبوبیت بیشتری پیدا می‌کنند.

باز هم، هشدار می‌دهم! کلاهبرداران زیادی وجود دارند که ربات‌های معاملاتی را بر اساس وعده‌های گزاف ثروت بی‌حد و حصر می‌فروشند. قبل از اقدام تحقیق کنید و اگر تصمیم به رفتن در این مسیر دارید، عاقلانه انتخاب کنید. موارد خوب انگشت شمار هستند.

MT۴ تنها پلتفرمی نیست که می‌توانید اندیکاتورهای سیستم‌های معاملاتی را در آن سفارشی کنید، اما به مراتب محبوب‌ترین است. من در گذشته از CMS و پلتفرم VT آن‌ها استفاده کرده‌ام و آن‌ها نیز یک بسته نموداری عالی دارند.

کارگزاری‌های خوب دیگری نیز وجود دارند. یکی از مورد علاقه‌های من Oanda است. آن‌ها هم پلتفرم مبتنی بر وب و هم پلتفرم MT۴ خود را دارند. پلتفرم مبتنی بر وب نیازی به دانلود هیچ نرم‌افزاری ندارد، به این معنی که می‌توانید از هر رایانه‌ای که جاوا دارد به این پلتفرم دسترسی پیدا کنید. Oanda یک پلتفرم بسیار محبوب و قابل اعتماد است که اسپرد بسیار پایینی ارائه می‌دهد و استفاده از آن بسیار ساده است. همچنین یک مزیت بزرگ دیگر در استفاده از Oanda در مورد اندازه موقعیت معاملاتی وجود دارد و این یکی از دلایلی است که من آن‌ها را بسیار دوست دارم. آن‌ها نیز چند سالی است که فعالیت می‌کنند و به ندرت نظرات منفی در مورد آن‌ها وجود دارد. Oanda قطعاً یک کارگزاری و پلتفرم عالی برای مبتدیان است.

می‌توانید Oanda را در اینجا پیدا کنید: <http://www.oanda.com/>

همانطور که قبلاً گفته شد، هیچ بورس مرکزی برای معامله‌گری فارکس وجود ندارد، بنابراین قیمت‌گذاری جفت ارزهای مختلف ممکن است در زمان‌های مختلف بین کارگزاری‌های مختلف متفاوت باشد. معمولاً تمام کارگزاری‌های خوب در محدوده یک یا دو پیپ از یکدیگر قرار دارند که واقعاً مشکلی نیست. با این حال، هر از چند گاهی، یک جهش قیمت در نمودارهای یک کارگزاری رخ می‌دهد اما در نمودارهای کارگزاری‌های دیگر نه. اگر سفارشی را در حوالی جایی که قیمت جهش کرده بود تنظیم کرده باشید، چه سفارش خرید/فروش باشد و چه حد ضرر، متأسفم. این نوع نوسانات معمولاً در پلتفرم‌های کارگزاری‌های نه چندان شناخته شده رخ می‌دهد. اگر با یک کارگزاری معتبر کار کنید، از این نوع مشکلات جلوگیری خواهید کرد. من معمولاً

دو پلتفرم را همزمان اجرا می‌کنم و می‌توانم قیمت‌های متفاوت را ببینم، اما از آنجایی که این دو کارگزاری معتبر هستند، به ندرت مشکلی در مورد اختلافات قیمت وجود دارد.

قبلاً به اصطلاح "اسپرد" اشاره کردم که تفاوت بین قیمت خرید و قیمت فروش است. تنها چند سال پیش اسپرد EUR و JPY ۳ پیپ بود و سایر جفت ارزهای اصلی بین ۴ تا ۵ پیپ متغیر بودند و این برای همه قابل قبول بود. امروزه، گرفتن اسپرد ۱ پیپ یا کمتر برای EUR و JPY و کمتر از ۳ پیپ برای سایر جفت ارزهای اصلی، و همچنین برای برخی از جفت ارزهای درجه دوم و کراس، غیرمعمول نیست.

اسپرد هزینه انجام معامله برای شماست. برای اینکه سود کنید، ابتدا باید اسپرد را جبران کنید. به عنوان مثال، اگر USD/CHF را با قیمت ۱.۰۷۷۴ خریدید و ۳ پیپ اسپرد داشتید، قیمت باید به ۱.۰۷۷۷ برسد تا در نقطه سر به سر قرار بگیرید. به یاد داشته باشید که شما با قیمت فروش می‌خرید و با قیمت خرید می‌فروشید. بنابراین در این مورد، وقتی خرید کردید، مظنه ۱.۰۷۷۴/۱.۰۷۷۱ بوده است. سپس باید قبل از اینکه بتوانید در نقطه سر به سر خارج شوید، به ۱.۰۷۷۷/۱.۰۷۷۴ برسد که یک افزایش ۳ پیپی در قیمت است.

برخی از کارگزاری‌ها اسپرد یکسانی را حفظ می‌کنند، هرچند کمی بالاتر در تمام ساعات بازار، در حالی که برخی دیگر ممکن است اسپرد را بسته به نوسانات در آن زمان تغییر دهند. نوسانات چیست؟ می‌تواند زمانی باشد که بازار بسیار آرام است، مانند زمانی که بازار در اوایل هفته باز می‌شود، یا پس از ساعات کاری در پایان جلسه ایالات متحده قبل از اینکه جلسه آسیا شروع شود. همچنین می‌تواند به زمانی اشاره داشته باشد که حجم معاملات بسیار بالا است، معمولاً در انتظار انتشار یک خبر مهم. اینجاست که برخی از کارگزاری‌ها می‌توانند اسپرد خود را واقعاً افزایش دهند. آن‌ها برای مدت طولانی اسپرد بالا را حفظ نمی‌کنند، اما ممکن است ۵ دقیقه یا بیشتر طول بکشد. Oanda این کار را انجام می‌دهد و اسپردها می‌توانند در جفت ارزهای پرنوسان مانند GBP/USD به ۲۰ پیپ برسند. اگر اسکالپینگ می‌کنید یا حد ضرر بسیار نزدیک یا سفارش‌های دیگری نزدیک به قیمت فعلی دارید، این خوب نیست. چیزی که باید از آن آگاه باشید.

خواهید دید که اگر اسپردها ثابت بمانند، معمولاً یک معاوضه در جای دیگری وجود دارد. در مورد CMS، اسپرد آن‌ها ثابت ماند اما در زمان‌های بسیار پرنوسان، در قرار دادن سفارش‌ها یا حد ضرر نزدیک به قیمت فعلی بازار مشکل داشتید. چند سال پیش، درست قبل از انتشار هر خبر مهم، معامله‌گران یک سفارش خرید و یک سفارش فروش را در نزدیکی قیمت فعلی و فقط چند ثانیه قبل قرار می‌دادند، به این امید که از یک جهش قیمت بزرگ در یک جهت یا جهت دیگر سود ببرند. یک سفارش پر می‌شد و آن‌ها دیگری را لغو می‌کردند و به دنبال یک حرکت

خوب در جهت اصلی می‌گشتند. کارگزاری‌ها این را دوست نداشتند و اقداماتی را مانند آنچه من بحث کردم برای جلوگیری از این کار انجام دادند، کمی شبیه ممنوعیت شمارش کارت توسط کازینوها، اگرچه از نظر فنی غیرقانونی نیست، اما به شمارشگران کارت برتری می‌داد. بنابراین کازینوها قوانین خود را تغییر دادند تا آن برتری را از قماربازان بگیرند. کارگزاری‌ها نیز گاهی اوقات همین کار را می‌کنند.

سپس مشکل ریکوت (requotes) و لغزش (slippage) را داریم. اگر با کارگزاری‌های بهتر کار کنید، این نباید واقعاً یک مشکل در معامله‌گری فارکس باشد، اما می‌تواند و گاهی اوقات اتفاق می‌افتد. به خاطر داشته باشید، ممکن است زمان‌هایی با نوسانات بسیار بالا وجود داشته باشد که شما با قیمتی که ممکن است برای انجام آن انتخاب کرده باشید، پر نشوید. این برای همه انواع معامله‌گری یکسان است. همچنین اینجاست که معامله‌گری نمایشی می‌تواند حس امنیت کاذبی به شما بدهد، زیرا پلتفرم‌های نمایشی همیشه معاملات یا سفارش‌ها را در سطوح مشخص شده پر می‌کنند زیرا این فقط یک برنامه کامپیوتری است که بر اساس اعداد کار می‌کند، نه شرایط واقعی بازار. ممکن است در یک حساب نمایشی یک پر شدن کامل معامله داشته باشید، اما ممکن است در همان معامله در یک حساب واقعی ۱۰ پیپ لغزش وجود داشته باشد. این اتفاق می‌افتد.

به طور کلی، کارگزاری‌های بهتر و شناخته شده امروزه بسیار قابل اعتمادتر (و صادق‌تر) شده‌اند. چندان وقت پیش نبود که آن‌ها کمی ناسازگار بودند و معامله‌گران مشکلاتی داشتند که در تمام انجمن‌ها منتشر می‌شد و بنابراین به شهرت برخی از کارگزاری‌ها آسیب می‌رساند. با این حال، به نظر نمی‌رسد امروزه این یک مشکل بزرگ باشد. اما باز هم، پیشنهاد می‌کنم که با جستجو در گوگل و بررسی موارد، تحقیقات لازم خود را انجام دهید.

فصل ۳

چگونه واقعاً فارکس معامله می‌کنید؟

ممکن است در ابتدا کمی گیج کننده به نظر برسد، اما در واقع بسیار ساده است.

فارکس یک ابزار مالی اهرمی است، همانند آپشن‌ها، فیوچرز، CFD ها، وارانته‌ها و غیره. بنابراین این چیز جدیدی نیست.

شما فارکس را در قالب "لات" معامله می‌کنید. این اساساً استاندارد صنعت است، اما کارگزاری‌هایی وجود دارند که کمی متفاوت عمل می‌کنند. برای مثال، Oanda با "واحد" معامله می‌کند، اما به راحتی می‌توان آن‌ها را به معادل اندازه لات تبدیل کرد.

لات‌ها بسته به مقدار ارزی که نشان می‌دهند، با نام‌های مختلف شناخته می‌شوند. یک لات استاندارد، یک مینی لات و یک میکرو لات وجود دارد:

یک لات استاندارد

۱۰۰,۰۰۰ واحد از ارز پایه و معمولاً به صورت ۱/۰ لات بیان می‌شود.

یک مینی لات

۱۰,۰۰۰ واحد از ارز پایه و معمولاً به صورت ۰/۱ لات بیان می‌شود.

یک میکرو لات

۱,۰۰۰ واحد از ارز پایه و معمولاً به صورت ۰/۰۱ لات بیان می‌شود.

تعداد لات‌هایی که می‌توانید بخرید یا بفروشید به چند چیز بستگی دارد:

موجودی حساب شما

اهرم معاملاتی تعیین شده شما، و

مقدار ریسکی که مایلید در معامله بپذیرید.

اینجاست که من به کلمات "مارجین"، "اهرم" و "ریسک" اشاره می‌کنم. همه کلمات مهم هستند، اما نیازی به استرس در مورد آن‌ها نیست زیرا همه آن‌ها قابل کنترل هستند و من یک راه آسان برای دوری از دردسر را به شما نشان خواهم داد.

مارجین به پولی اشاره دارد که در حساب خود دارید و با آن می‌توانید معامله کنید. همانطور که قبلاً گفته شد، فارکس یک ابزار اهرمی است، بنابراین اگر کارگزاری شما اهرم ۱:۱۰۰ را به شما ارائه دهد، به ازای هر ۱ واحدی که در حساب معاملاتی خود دارید، می‌توانید ۱۰۰ واحد را در یک معامله کنترل کنید. برخی از کارگزاری‌ها تا اهرم ۱:۱۰۰۰ را ارائه می‌دهند. اگر بیش از حد اهرم گرفته باشید و یک معامله بر خلاف میل شما پیش برود و تصمیم بگیرید هیچ اقدامی نکنید، کارگزاری شما برای محافظت از منافع خود، معامله را از طرف شما می‌بندد، حتی اگر ممکن است حساب خود را از دست داده باشید. هرچه اهرم بالاتر باشد، ارزش بیشتری می‌توانید کنترل کنید (بیشتر بخرید یا بفروشید). این چیزی نیست که مرا نگران کند زیرا ریسک من در تمام معاملات کنترل می‌شود. ریسک به مبلغی اشاره دارد که مایلید در هر معامله خاص، بر حسب دلار، ریسک کنید.

اطلاعات مهم برای معامله‌گران مستقر در ایالات متحده

۱. اکثر معامله‌گران ایالات متحده توسط مقررات دولت خود محدود شده‌اند، به طوری که به کارگزاری‌های مستقر در ایالات متحده اجازه نمی‌دهند اهرمی بیش از ۵۰:۱ را در حساب‌های معاملاتی خود ارائه دهند. این روش "برادر بزرگ" برای گفتن این است که چه چیزی برای شما بهتر است. اگر معامله‌گر مستقر در ایالات متحده هستید، راه‌هایی برای دور زدن این محدودیت وجود دارد. این امر به کمی تحقیق از طرف شما نیاز دارد.

۲. یکی دیگر از مقررات منحصر به فرد ایالات متحده، عدم اجازه به معامله‌گران برای هجینگ (پوشش ریسک) است، به این معنی که شما نمی‌توانید همزمان یک معامله خرید و یک معامله فروش را روی یک جفت ارز باز داشته باشید. بسیاری از معامله‌گران معاملاتی را که بر خلاف میل آن‌ها پیش می‌رود هج می‌کنند تا به آن‌ها زمان بدهد تا موقعیت کلی خود را ارزیابی کنند. برخی از سیستم‌های معاملاتی واقعی نیز خواستار انجام معاملات در هر دو جهت به طور همزمان هستند. راه‌هایی برای دور زدن این محدودیت نیز وجود دارد.

۳. قانون دیگری که در ایالات متحده وجود دارد FIFO نامیده می‌شود که مخفف "first in, first out" (اولین ورودی، اولین خروجی) است. اساساً اگر شما چندین معامله را روی یک جفت ارز

انجام می‌دهید، و همه آن‌ها در یک جهت خواهند بود زیرا شما مجاز به هجینگ نیستید، باید معاملات را به همان ترتیبی که وارد کرده‌اید خارج کنید. این همچنین به اندازه موقعیت هر معامله بستگی دارد. برای اطلاعات دقیق در این مورد به کارگزاری خود مراجعه کنید. این احتمالاً یکی از ناامیدکننده‌ترین قوانین برای معامله‌گران ایالات متحده است زیرا گاهی اوقات شما لزوماً نمی‌خواهید به آن ترتیب خاص خارج شوید. من شکایات بیشتری در مورد این قانون نسبت به سایر قوانین شنیده‌ام. اکثر کشورهای دیگر این محدودیت‌ها را ندارند.

اندازه لات و ارزش پیپ معادل

فقط برای یادآوری، اگر EUR/USD از ۱.۳۹۲۴ به ۱.۳۹۲۸ حرکت کند، در مجموع ۴ پیپ حرکت کرده است، و اگر USD/JPY از ۹۵.۲۳ به ۹۵.۱۹ حرکت کند، آن نیز ۴ پیپ حرکت کرده است. تا اینجا ساده است.

اگر من ۱ لات استاندارد (۱۰۰,۰۰۰ دلار) معامله می‌کردم، هر پیپ ۱۰ دلار آمریکا ارزش دارد. بنابراین در مثال EUR/USD بالا که ۴ پیپ حرکت داشت و شما ۱ لات استاندارد معامله می‌کردید، ۴ پیپ برابر با ۴۰ دلار آمریکا است. همین ۱۰ دلار آمریکا در هر پیپ برای GBP/USD، AUD/USD و NZD/USD نیز اعمال می‌شود.

این قسمت آسان است. حال تمام جفت ارزهای فارکس دیگر به دلیل اینکه USD ارز مطنه یا متقابل نیست، به این سادگی نیستند. بنابراین آنچه در اینجا باید در نظر بگیرید، تبدیل ارز بین دو جفت ارز است و ریاضیات می‌تواند کمی گیج کننده باشد. من، آن را ساده نگه می‌دارم و تمام جفت ارزها را دارای ارزش ۱۰ دلار آمریکا در هر پیپ در نظر می‌گیرم. تقریباً تمام جفت ارزهای فارکس، به جز EUR/GBP، ارزش پپی کمتر از ۱۰ دلار آمریکا دارند، و بیشتر آن‌ها فقط کمی زیر آن سطح هستند، اما با تغییرات ارز نوسان می‌کنند. اگر نیاز دارید ارزش دقیق پیپ را بدانید، بسیاری از وبسایت‌های رایگان با یک ماشین حساب داخلی وجود دارند که ریاضیات را برای شما انجام می‌دهند.

اکثر معامله‌گران یا لات استاندارد یا مینی لات معامله می‌کنند. همانطور که قبلاً گفته شد، Oanda در اینجا کمی متفاوت است زیرا آن‌ها با واحد معامله می‌کنند که می‌تواند برای مدیریت دقیق سرمایه بسیار مفید باشد.

بنابراین، اگر ۱ پیپ در یک لات استاندارد (۱/۱۰ لات / ۱۰۰,۰۰۰ دلار) برابر با ۱۰ دلار آمریکا باشد، آنگاه ۱ پیپ در یک مینی لات (۱/۱۰۰ لات / ۱۰,۰۰۰ دلار) باید برابر با ۱ دلار آمریکا باشد، و ۱ پیپ در

یک میکرو لات (۰/۰۱ لات / ۱,۰۰۰ دلار) ارزش ۰/۱۰ دلار دارد. ساده است! و برای اینکه بسیار آسان و ساده شود، فقط هر جفت ارز فارکس را یکسان در نظر بگیرید. می‌دانم که یک پیپ USD/JPY در یک لات استاندارد ۱۰ دلار آمریکا نیست، اما به اندازه‌ای نزدیک است که من نگران ارزش دقیق آن نباشم. اگر سبک معامله‌گری شما تحت تأثیر قیمت دقیق پیپ‌ها در جفت ارز فارکسی که معامله می‌کنید قرار دارد، آنگاه باید از چیزی مانند یک ماشین حساب اختصاصی فارکس برای محاسبه مقادیر دقیق استفاده کنید. آن‌ها به راحتی با یک جستجوی گوگل در دسترس هستند.

بیا یک مثال معاملاتی را بررسی کنیم:

من ۲,۲۳۵ دلار در حساب معاملاتی خود دارم و خوشحالم که ۲٪ در هر معامله ریسک کنم.
 من در حساب کارگزاری خود هستم و به نمودارهای آن‌ها نگاه می‌کنم و یک ستاپ خوب در EUR/USD می‌بینم که قصد خرید در قیمت ۱/۳۹۲۸ را دارم. حد ضرر (stop loss) خود را ۳۰ پیپ پایین‌تر در قیمت ۱/۳۸۹۸ قرار می‌دهم. بنابراین ریسک من در این معامله ۳۰ پیپ است.
 اکنون باید بدانم اندازه موقعیت من چقدر خواهد بود، به طوری که بیش از ۲٪ از کل موجودی حسابم به مبلغ ۲,۲۳۵ دلار را ریسک نکنم. این در واقع معادل ۴۴/۷۰ دلار است.
 روش آسان برای محاسبه این است:

موجودی حساب ضربدر درصد ریسک، تقسیم بر ریسک (اندازه استاپ بر حسب پیپ)، مساوی اندازه موقعیت.

در این معامله، محاسبات به این صورت خواهد بود: $۲,۲۳۵ \text{ دلار} \times ۲\% = ۴۴/۷۰ \text{ دلار}$ / $۳۰ \text{ پیپ} = ۱/۴۹$

بنابراین اندازه موقعیت من در این معامله ۱/۴۹ مینی لات (۰/۱۴۹ لات) خواهد بود. اگر پلتفرم شما این اندازه معامله را اجازه می‌دهد، باید آن را به ۱ مینی لات (۰/۱ لات) یا ۱/۴ مینی لات (۰/۱۴ لات) گرد کنید.

اگر در مورد اندازه موقعیت، چه در لات استاندارد و چه در مینی لات، مطمئن نیستید، برای تأیید محاسبات را به صورت معکوس انجام دهید. می‌دانید که حداکثر ریسک در این معامله ۴۴/۷۰ دلار است. اگر با ۱ مینی لات وارد معامله شوید، می‌دانید که هر پیپ ۱ دلار ارزش دارد، بنابراین اگر حد ضرر شما فعال شود، ۳۰ دلار ضرر خواهید کرد که به دلیل گرد کردن اندازه

موقعیت به پایین، کمتر از حداکثر ریسک شما یعنی ۴۴/۷۰ دلار است.

در اینجا مثال دیگری با موجودی حساب بسیار بیشتر و درصد ریسک و محل قرارگیری استاپ متفاوت آورده شده است.

موجودی حساب ۳۷,۸۴۰ دلار است، ریسک معامله شما ۳٪ است و شما در حال ثبت سفارش فروش GBP/USD در قیمت ۱/۴۵۶۲ با حد ضرر در قیمت ۱/۴۶۰۷ هستید که ۴۵ پیپ فاصله دارد.

بیا یاد محاسبات را برای تعیین اندازه موقعیت من انجام دهیم:

۳۷,۸۴۰ دلار (موجودی حساب) $\times$ ۳٪ (درصد ریسک) = ۱۱۳۵/۲۰ دلار

۱۱۳۵/۲۰ دلار (حداکثر ریسک) تقسیم بر ۴۵ (استاپ) = ۲۵/۲۲۶

بنابراین اندازه موقعیت من ۲۵/۲۲۶ مینی لات (۲/۵۲۲۶ لات) خواهد بود، یا به پایین گرد شده ۲۵/۲ مینی لات (۲/۵۲ لات) که اساساً ۲/۵ لات استاندارد است.

اگر می‌خواهید اندازه موقعیت خود را دوباره بررسی کنید، محاسبات را به صورت معکوس انجام دهید. می‌دانید که حداکثر ریسک شما ۱۱۳۵/۲۰ دلار و استاپ شما ۴۵ پیپ است و هر پیپ در یک لات استاندارد ۱۰ دلار ارزش دارد. اگر با ۲/۵ لات ۴۵ پیپ ضرر کنید، آنگاه $۱۰ \times ۲/۵ \times ۴۵ = ۱۱۲۵$ دلار می‌شود که کمتر از ریسک ۱۱۳۵/۲۰ دلار است.

ممکن است در ابتدا کمی گیج کننده باشد، اما وقتی قلق آن را یاد بگیرید بسیار ساده است. با استفاده از این فرمول، دیگر هرگز نباید نگران اهرم، مارجین یا ریسک باشید. آن‌ها اصلاً دخیل نمی‌شوند. اما با این حال، همه چیز به سطوح درصد ریسک و روش‌های معاملاتی واقعی شما بستگی دارد. شما به یک روش معاملاتی موفق نیاز دارید، زیرا اگر اینطور نباشد و شما فقط ۲٪ در هر معامله ریسک کنید، در نهایت حساب خود را از دست خواهید داد. فقط رسیدن به این هدف کمی بیشتر طول می‌کشد تا اینکه در هر معامله ۱۰٪ ریسک کنید.

بسیاری از صفحات گسترده نوع اکسل رایگان در دسترس هستند که پس از وارد کردن ارقام خود، محاسبات را برای شما انجام می‌دهند. این‌ها بسیار مفید هستند و اطمینان می‌دهند که ارقام را به درستی دریافت می‌کنید.

اکنون باید در مورد ریسک صحبت کنیم!

اطلاعات مربوط به ریسک

من "ریسک" را یک موضوع بسیار مهم در معامله‌گری فارکس می‌دانم. اگر شما یک معامله‌گر با تایم فریم‌های طولانی‌تر، مثلاً نمودارهای هفتگی یا ماهانه باشید، شاید چندان مشکلی نباشد، اما اگر یک معامله‌گر روزانه هستید، قطعاً یک مسئله مهم است.

در این مورد به من اعتماد کنید!

اکنون برای من مهم نیست که درصد ریسک شما در هر معامله چقدر است، زیرا این به معامله‌گر بستگی دارد. من ۲-۳٪ را پیشنهاد کرده‌ام که در بین معامله‌گران موفق بسیار رایج است، طبق نظر برخی حتی کمتر بهتر است. این حداقل تضمین می‌کند که مدت بیشتری در بازی بمانید. اگر می‌خواهید ۱۰٪ در یک معامله ریسک کنید، این به شما بستگی دارد. اما می‌گویم که قرار دادن یک حد ضرر فیزیکی به نفع شماست. این نقطه‌ای است که اگر مشکلی پیش بیاید، از معامله خارج خواهید شد.

می‌پرسید چه مشکلی ممکن است پیش بیاید؟

غیر از اینکه شما جهت اشتباهی را برای معامله انتخاب کرده‌اید، که هر از چند گاهی اتفاق می‌افتد. همچنین ممکن است مشکلات اینترنتی داشته باشید یا مشکل بزرگتر، اخبار نامطلوبی منتشر شود که کاملاً شما را غافلگیر کند و قبل از اینکه متوجه شوید، معامله شما حدود ۱۰۰ پیپ یا بیشتر در ضرر است.

اول از همه، مشکلات احتمالی اینترنتی وجود دارد. مهم نیست کجا زندگی می‌کنید، هرگز نمی‌توانید از اتصال اینترنتی ۱۰۰٪ مطمئن باشید. فقط یک طوفان در حدود ۱۰۰ کیلومتری محل من کافی است تا گاهی اوقات اتصال من را قطع کند، و من با بزرگترین شرکت مخابراتی کشور هستم. زمانی که در اواسط دهه ۲۰۰۰ به صورت تمام وقت معامله می‌کردم، یک پشتیبان با اتصال شماره‌گیری قدیمی به پهنای باند کابلی خود نیز داشتم. این روزها می‌توانید مودم بی‌سیم را به عنوان پشتیبان تهیه کنید. یک چیز دیگر که اکیداً پیشنهاد می‌کنم این است که شماره تلفن کارگزاری خود را در دسترس داشته باشید، تا بتوانید مستقیماً با آن‌ها تماس بگیرید و معاملات را ببندید یا حد ضررها را جابجا کنید و غیره. من در گذشته برای رهایی از دردسر این کار را انجام داده‌ام، و خوب است بدانید که اگر بدترین اتفاق بیفتد این گزینه را دارید. باز هم، این ممکن است فقط با کارگزاری‌های بزرگ و شناخته شده در دسترس باشد. همچنین در نظر گرفتن هرگونه مشکل احتمالی زبانی در صورت نیاز به تماس تلفنی مفید است.

احتمالاً بزرگترین مشکل، انتشار اخبار یا اخبار غیرمنتظره است. فارکس با اخبار حرکت می‌کند! و همیشه اخبار زیادی منتشر می‌شود. نکته خوب این است که بیشتر اخبار در زمان‌های تعیین شده منتشر می‌شوند که پیگیری آن‌ها بسیار آسان است. بسیار آسان، و من در فصل دیگری به این موضوع خواهم پرداخت.

پس منظور من چیست؟ حتماً در تمام معاملات از حد ضرر استفاده کنید. نمی‌توانم واضح‌تر از این بگویم!

اکنون حد ضرر به شما بستگی دارد، اما لطفاً آن را یک حد ضرر ذهنی قرار ندهید. این‌ها در معامله‌گری فارکس کار نمی‌کنند، به خصوص اگر در تایم فریم‌های کوچکتر معامله می‌کنید. حتی اگر نوعی حد ضرر ایمنی داشته باشید که در فاصله معینی از ورود شما قرار دارد تا از نابودی کامل جلوگیری کند، و می‌توانید بعداً پس از سودآور شدن معامله آن را تنظیم کنید، گزینه بسیار بهتری نسبت به نداشتن حد ضرر است.

برای اینکه یک مثال از حرکت قیمت در یک دوره ۲۴ ساعته به شما بدهم، معتقدم میانگین برای EUR/USD حدود ۱۰۰ پیپ و برای GBP/USD حدود ۱۲۰ پیپ است، کم و بیش. این فقط یک حرکت متوسط در ۲۴ ساعت است. وقتی می‌گویم حرکت، ممکن است در همان قیمت شروع و تمام شود، بنابراین من در اینجا به یک محدوده احتمالی حرکت اشاره می‌کنم. اگر شما ۱ لات استاندارد معامله می‌کردید و بازار ۱۰۰ پیپ بر خلاف میل شما حرکت می‌کرد، آنگاه ۱۰۰۰ دلار در ضرر بودید. خوب نیست! اگر مطمئن نیستید که حد ضرر چیست: این یک دستور برای بستن خودکار معامله شما است اگر معامله به مقدار از پیش تعیین شده بر خلاف میل شما پیش برود.

یک مثال:

یورو/دلار آمریکا را در قیمت ۱/۳۹۵۰ خریدید و طبیعتاً می‌خواهید قیمت آن افزایش یابد تا سود کنید. شما تصمیم گرفتید که به هر دلیلی نمی‌خواهید بیش از ۳۰ پیپ در این معامله ریسک کنید، بنابراین حد ضرر خود را در قیمت ۱/۳۹۲۰ قرار می‌دهید. اگر قیمت به این سطح برسد، پلتفرم کارگزاری شما به طور خودکار شما را از معامله خارج می‌کند و حداکثر ۳۰ پیپ ضرر خواهید کرد. مهم نیست که آنلاین باشید یا در ساحل، همه چیز به طور خودکار اتفاق می‌افتد. استفاده از حد ضرر یک بخش ساده از کل تجربه معامله‌گری فارکس و یک بخش مهم است. قرار دادن آن‌ها در ابتدای معامله آسان است و پس از سودآور شدن معامله، تنظیم آن‌ها نیز آسان است. من اکیداً پیشنهاد می‌کنم که برای جلوگیری از اتفاقات غیرمنتظره، همیشه از آن‌ها استفاده کنید.

با وجود تمام این گفته‌ها، استراتژی‌های خاصی وجود دارند که از حد ضرر استفاده نمی‌کنند. با این حال، آن‌ها معمولاً مکانیسم دیگری برای کمک به مدیریت معامله در صورت حرکت قیمت بر خلاف میل شما دارند. به طور کلی، این نوع سیستم‌های معاملاتی برای کسانی که با این روش معامله راحت نیستند و برای موفقیت به تخصص بیشتری نیاز دارند، مناسب نیستند. در حال حاضر، فقط در تمام معاملات حد ضرر قرار دهید و سپس می‌توانید در آینده به روش‌های معاملاتی عجیب و غریب‌تری نگاه کنید.

کمی بیشتر در مورد ریسک

فقط چند نکته که هنوز در مورد آن‌ها صحبت نکرده‌ام.

اول از همه "ریسک" و "همبستگی" است. من در مورد ریسک در هر معامله صحبت کرده‌ام و پیشنهاد می‌کنم بیش از ۳-۲٪ در هر معامله ریسک نکنید. باز هم، میزان ریسک به معامله‌گر بستگی دارد. با این حال، یک نکته را باید خاطرنشان کنم و آن مشکل همبستگی است. این به سادگی به این معنی است که دو جفت ارز ممکن است در بیشتر مواقع به طور کلی در یک جهت یا در بیشتر مواقع در جهت مخالف حرکت کنند.

واضح‌ترین و به شدت همبسته ترین جفت ارزها EUR/USD و USD/CHF هستند زیرا آن‌ها در شرایط عادی تقریباً کاملاً در جهت مخالف یکدیگر حرکت می‌کنند. بنابراین اگر شما در یک معامله EUR/USD را خریده و در معامله دیگر USD/CHF را فروخته باشید و در هر معامله ۲٪ ریسک کرده باشید، در واقع به دلیل همبستگی بالا ۴٪ ریسک می‌کنید.

EUR/JPY و GBP/JPY نیز اغلب می‌توانند تقریباً در یک جهت حرکت کنند. وقتی به آن فکر می‌کنید، اگر جفت ارزها دارای یک ارز مشترک باشند و خبری منتشر شود که به شدت بر آن ارز تأثیر بگذارد، مهم نیست که ارز دیگر چه ارتباطی دارد، زیرا بازار ارز غالب را حرکت خواهد داد.

این چیزی است که هنگام در نظر گرفتن کل ریسک معاملات خود باید از آن آگاه باشید. بهترین راه برای بررسی نحوه حرکت جفت ارزهای مختلف نسبت به یکدیگر، این است که نمودارهای ۱ ساعته تمام جفت ارزهایی را که علاقه مند به معامله آن‌ها هستید در یک صفحه قرار دهید و نحوه حرکت آن‌ها را در چند روز، به ویژه هنگام انتشار اخبار، مشاهده کنید. همچنین در مورد "انتشار اخبار" برنامه‌ریزی شده صحبت کردم که ممکن است بازارها را حرکت دهد یا ندهد.

برای مثال امروز، از آنجایی که من فقط EUR/USD را معامله می‌کنم و فقط نگران اخبار احتمالی با تأثیر بالا هستم، تقویم فارکس فکتوری (Forex Factory) را بررسی کرده‌ام و اکنون

می‌دانم که باید ساعت ۷ بعد از ظهر به وقت من برای اخبار آلمان و به ویژه ساعت ۱۰:۳۰ شب به وقت من برای ۳ خبر مهم از ایالات متحده هوشیار باشم. امیدوارم معاملات من تا ساعت ۱۰:۳۰ شب تمام شود، بنابراین مشکلی نخواهد بود. من تقویم اقتصادی فارکس فکتوری را بعداً در کتاب مورد بحث قرار خواهم داد.

اکنون گاهی اوقات اخبار غیرمنتظره‌ای وجود دارد که ممکن است بر قیمت‌های فارکس تأثیر بگذارد. نمونه‌هایی از این موارد شامل حملات تروریستی در خاک ایالات متحده (۱۱ سپتامبر)، دستگیری یک فرد بسیار تحت تعقیب (صدام) یا حتی اظهار نظر احمقانه یک مقام خزانه‌داری در طول سخنرانی‌ای که باید کسل کننده و قابل پیش بینی باشد. اتفاقات زیادی می‌تواند بازار را زمانی که کمترین انتظار را دارید حرکت دهد و این به طور منظم اتفاق می‌افتد!

من پشت کامپیوترم نشسته بودم و کاملاً از تمام اخبار در حال انتشار آگاه بودم که ناگهان یک جفت ارز ممکن است در عرض یک یا دو دقیقه ۵۰ تا ۱۰۰ پیپ جهش کند و با بررسی سریع تمام اخبار منتشر شده برای دیدن علت این جهش، قلبم به تپش می‌افتد. ممکن است چیز ساده‌ای مانند شایعه یک حمله برنامه‌ریزی شده در مرکز لندن باشد. مهم نیست که نادرست باشد، زیرا بازار در نهایت خود را اصلاح خواهد کرد.

فقط آگاه باشید که اخبار می‌تواند به طور غیرمنتظره منتشر شود و بازار را حرکت دهد، که این موضوع مرا به نکته قبلی خود مبنی بر اطمینان از داشتن نوعی حد ضرر فیزیکی در تمام اوقات بازمی‌گرداند.

بحث بیشتر در مورد ریسک

به نظر می‌رسد این موضوع پایانی ندارد، اما همانطور که قبلاً گفته شد، درک کامل ریسک و نحوه تأثیر آن بر معامله‌گری شما بسیار مهم است. شما نمی‌خواهید حساب خود را در یک یا دو معامله احمقانه از دست بدهید. فقط برگردیم به مثال ریسک ۲٪ در هر معامله. یک نکته‌ای که مطرح می‌شود و افراد مختلف نظرات متفاوتی در مورد آن دارند، این است که چه مدت قبل از تنظیم اندازه موقعیت برای مطابقت با موجودی حساب خود، همان اندازه موقعیت را حفظ می‌کنید.

برای مثال، فرض کنید شما فقط EUR/USD را معامله می‌کنید و حد ضرر شما همیشه ۳۰ پیپ است. شما اندازه موقعیت خود را تعیین می‌کنید، وارد معامله می‌شوید و در نهایت سود می‌کنید. این امر طبیعتاً موجودی حساب شما را افزایش می‌دهد و اگر بخواهید ریسک ۲٪ خود را در معامله بعدی حفظ کنید، از نظر فنی اندازه موقعیت شما در این معامله کمی بزرگتر

خواهد بود. بسته به اندازه حساب شما و اینکه آیا کارگزاری خاص شما اجازه معامله میکرو لات را می‌دهد یا خیر، این ممکن است همیشه امکان پذیر نباشد و ممکن است مجبور شوید آن را به اندازه قبلی گرد کنید.

اکنون برخی از معامله‌گران پیشنهاد می‌کنند که شما در یک جلسه، برخی می‌گویند یک هفته و برخی دیگر یک ماه، روی همان اندازه موقعیت بمانید. مهم نیست چه اتفاقی می‌افتد، اگر شما آن دنباله معاملاتی خاص را با اندازه موقعیت ۲ لات شروع کرده باشید، تا پایان دنباله با همان اندازه موقعیت ۲ لات معامله خواهید کرد و سپس آن را برای دنباله بعدی مطابق با موجودی جدید حساب خود تنظیم خواهید کرد.

سایر معامله‌گران پیشنهاد می‌کنند که اندازه موقعیت خود را بعد از هر معامله تنظیم کنید. این می‌تواند کمی گیج کننده شود، به خصوص اگر شما جفت ارزهای مختلف با استاپ‌های مختلف معامله می‌کنید و همچنین می‌تواند کمی ناخوشایند شود. برخی می‌گویند اگر به دلیل چند ضرر متوالی در تلاش برای جبران خسارات باشید، این امر به ضرر شماست زیرا با اندازه موقعیت کوچکتر وارد معاملات خواهید شد. در مورد آن نظریه مطمئن نیستیم.

همانطور که بارها گفته‌ام، سعی می‌کنم آن را ساده نگه دارم. شخصاً، من در ابتدای هفته اندازه موقعیت را تعیین می‌کنم و در کل هفته به همان اندازه موقعیت پایبند هستم. در هفته بعد، موجودی حساب خود را بررسی می‌کنم و در صورت لزوم تغییراتی ایجاد می‌کنم. این روش برای من کار می‌کند و قطعاً زندگی من را آسان‌تر می‌کند زیرا اندازه موقعیت به طور خودکار در پلتفرم من برای هر معامله ذخیره می‌شود.

اکنون برخی از معامله‌گران ممکن است در یک هفته معاملات زیادی انجام ندهند، یا ممکن است در یک جلسه ۳۰ معامله انجام دهند، بنابراین هر کس روش خاص خود را برای انجام کارها خواهد داشت. برخی از معامله‌گران به معاملات اضافه می‌کنند یا از آن‌ها کم می‌کنند، که این امر ریسک و غیره را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. من نمی‌توانم تمام انواع سناریوهای معاملاتی را پوشش دهم و قصد انجام این کار را نیز ندارم. این اطلاعات فقط برای ارائه ایده یا شاید به فکر فرو بردن شما در مورد چیزی است که قبلاً در نظر نگرفته‌اید، و سپس من نظرات خود را در مورد نحوه انجام کارها ارائه می‌دهم. هیچ راه درست یا غلطی وجود ندارد و در پایان روز، اگر سود کنید و در انجام آن بیش از حد استرس یا خسته نشوید، پس کار درستی انجام می‌دهید.

فصل ۴

تحلیل بنیادی یا تکنیکال؟

اخبار و تحلیل بنیادی

وقتی صحبت از معامله‌گری می‌شود، چه فارکس، چه سهام و چه گل نرگس، اکثر معامله‌گران برنامه‌ای دارند که روش معاملاتی خاص خود را بر اساس آن بنا می‌کنند. در معامله‌گری فارکس، اکثریت معامله‌گران خرده فروش کوچک مانند من و شما، احتمالاً از نوعی تحلیل تکنیکال استفاده می‌کنند که اساساً معامله‌گری بر اساس نمودارها است، با استفاده از هر اندیکاتور، الگو یا ستاپی که انتخاب می‌کنید. یا حتی ممکن است بدون هیچ چیزی روی نمودارها به صورت غریزی معامله کنید. هنوز هم برای برخی یک روش است، فکر می‌کنم.

سپس معامله‌گرانی هستند که نمودارها را نادیده می‌گیرند و بر اساس و حول محور انتشار اخبار مهم معامله می‌کنند، که اساساً جنبه بنیادی معامله‌گری است. من قبلاً در بالا به این موضوع اشاره کرده‌ام، اما دوباره آن را بررسی خواهم کرد. معامله‌گرانی وجود دارند که از این به عنوان تنها روش معامله‌گری در بازار فارکس استفاده می‌کنند. در اینجا ما بر اساس نظریه‌ای معامله می‌کنیم که فکر می‌کنید بازار چگونه به یک خبر خاص مانند کاهش نرخ بهره یا چیزی مشابه واکنش نشان خواهد داد. یا ممکن است نظرات بلندمدتی در مورد اقتصاد ژاپن داشته باشید که بر اساس آن تصمیم بگیرید این را در برابر ارز دیگری بخرید یا بفروشید. هر روز نوعی خبر منتشر می‌شود که به نحوی بر برخی از ارزها تأثیر می‌گذارد. نکته کلیدی این است که بفهمید خبر چگونه بر ارزهایی که معامله می‌کنید تأثیر خواهد گذاشت.

مشکل انتشار اخبار این است که اگرچه تقریباً همه آن‌ها در زمان معینی تنظیم شده‌اند، اگر از آن‌ها آگاه نباشید، می‌توانند شما را غافلگیر کنند. برای مثال، بزرگترین خبر منتشر شده، رقم تغییر اشتغال غیرکشاورزی (که قبلاً NFP نامیده می‌شد) است که در ساعت ۸:۳۰ صبح به وقت نیویورک در اولین جمعه هر ماه منتشر می‌شود. بسته به اعدادی که منتشر می‌شود، این خبر می‌تواند در یک چشم به هم زدن بازار را بیش از ۱۰۰ پیپ حرکت دهد، و اگر در طرف اشتباه آن باشید، مراقب باشید! ظرف ۲ دقیقه، بازار ممکن است بیش از ۲۰۰ پیپ حرکت کرده باشد. این اتفاق می‌افتد! تصور کنید اگر بدون قرار دادن حد ضرر، فقط برای رفتن به دستشویی از اتاق خارج شوید و ۲ دقیقه بعد برگردید و ببینید که معامله شما آنقدر در ضرر است که احساس بیماری می‌کنید، چه احساسی خواهید داشت. با این حال، ممکن بود به نفع شما نیز پیش رفته باشد، اما آیا می‌خواهید چنین شانس را بپذیرید؟

منظور من چیست؟ از اخبار آگاه باشید!

خبر خوب این است که تقویم‌های خبری رایگان زیادی در اینترنت در دسترس هستند، اما تقویمی که من استفاده می‌کنم در فارکس فکتوری (Forex Factory) یافت می‌شود. استفاده از آن بسیار ساده است زیرا می‌توانید آن را مطابق با نیازهای خود تغییر دهید. برای مثال، اگر شما فقط EUR/USD را معامله می‌کنید و فقط نگران اخباری هستید که تأثیر متوسط یا بالایی بر این ارزها دارند، می‌توانید فیلتر را طوری تنظیم کنید که فقط این رویدادهای خبری را نشان دهد. فقط روی تب Filter در سمت راست بالای نوار عنوان کلیک کنید. اگر علاقه مند باشید، اطلاعات زیادی در مورد ماهیت خبر و نحوه تأثیر آن بر بازار وجود دارد. همچنین به وقت محلی شما تنظیم شده است، بنابراین این کار را آسان‌تر می‌کند. در ابتدای روز معاملاتی خود، ابتدا این سایت را باز می‌کنم و اخبار منتشر شده‌ای را که ممکن است بر جفت ارزهایی که معامله می‌کنم تأثیر بگذارد، بررسی می‌کنم. این موارد را در دفترچه یادداشت خود می‌نویسم و اگر خبر مهمی باشد، معمولاً یک زنگ هشدار برای حدود ۱۰ دقیقه قبل تنظیم می‌کنم. این کار به من این امکان را می‌دهد که یا حد ضررهای معاملات باز را تنگ‌تر کنم، آن‌ها را ببندم یا تا پس از انتشار خبر وارد معامله نشوم. آگاهی از این اخبار، به ویژه اگر معامله‌گر کوتاه مدت هستید، بسیار مهم است و مطمئن شوید که اگر در طول انتشار آن‌ها معامله می‌کنید، برنامه‌ای در نظر گرفته‌اید.

تحلیل تکنیکال

من معاملات بنیادی (رویدادهای خبری) را پوشش دادم، بنابراین اکنون زمان آن رسیده است که به روش رایج دیگر معامله‌گری بپردازیم، که تحلیل تکنیکال نامیده می‌شود. بیشتر این معاملات بر اساس نمودارها انجام می‌شود، از این رو اصطلاحات "چارتیست‌ها" یا "تحلیل تکنیکال" و غیره به کار می‌رود. این روشی است که من معامله می‌کنم و بسیاری دیگر نیز از همین روش استفاده می‌کنند.

قبلاً بحث کردم که چگونه اکثر کارگزاری‌های فارکس یک بسته نموداری را با پلتفرم خود ارائه می‌دهند و چگونه داده‌های زنده رایگان هستند. این خوب است زیرا هزینه‌ها را پایین نگه می‌دارد. برخی از این پلتفرم‌ها نمودارهای عالی دارند، مانند پلتفرم MTF، Ninja Trader یا VT. اینجاست که پلتفرم Oanda FX Trade کمی ناامید کننده است زیرا قابلیت‌های نموداری آن‌ها اصلاً قابل مقایسه نیست. با این حال، شما همچنان می‌توانید بدون هیچ مشکلی بر اساس نمودارهای Oanda معامله کنید؛ آن‌ها فقط تمام زنگ‌ها و سوت‌ها را ندارند.

در معاملات تکنیکال، می‌توانید به هر میزان که می‌خواهید ساده یا پیچیده عمل کنید. من قصد ندارم به تمام اندیکاتورهای مختلف، فیوناچی، پیوت‌ها، شکست‌ها، خطوط روند و غیره بپردازم. هزاران روش برای معامله وجود دارد و انجمن‌های معامله‌گری فارکس مملو از آن‌ها هستند. بنابراین می‌توانید تحقیقات خود را در اینجا انجام دهید و چیزی را پیدا کنید که برای شما مناسب باشد.

پلتفرم استاندارد MT4 به طور خودکار با یک سبد بزرگ از اندیکاتورهای محبوب مختلف ارائه می‌شود که می‌توانند به راحتی با تنظیمات دلخواه شما روی هر نموداری بارگذاری شوند و این برای شروع کار بیش از اندازه کافی است. همچنین می‌توانید اندیکاتورهای سفارشی را به پلتفرم اضافه کنید. این یک فرآیند بسیار ساده است و هزاران اندیکاتور سفارشی به صورت رایگان آنلاین در دسترس هستند. وارد انجمن‌های معامله‌گری شوید یا آن را در گوگل جستجو کنید. اگر برای نحوه بارگذاری این اندیکاتورها در MT4 مشکل دارید، یوتیوب کمک بزرگی خواهد بود. منابع موجود آنلاین این روزها باورنکردنی هستند، اما اگر مشکلی دارید، همیشه می‌توانید با من تماس بگیرید.

من در مورد تایم فریم‌ها بحث خواهم کرد. همانطور که قبلاً می‌دانیم، بازار فارکس در طول هفته ۲۴ ساعته فعال است، بنابراین فرصت‌های زیادی برای معامله وجود دارد. بحث قبلی در مورد جلسات مختلف را نیز به خاطر داشته باشید، که در شناسایی زمان احتمالی وقوع حرکت‌های بیشتر کمک می‌کند.

در پلتفرم‌های معاملاتی، اکثر کارگزاری‌ها نمودارهای ۱ دقیقه‌ای، ۵ دقیقه‌ای، ۱۵ دقیقه‌ای، ۳۰ دقیقه‌ای، ۶۰ دقیقه‌ای، ۴ ساعته، روزانه، هفتگی و ماهانه را ارائه می‌دهند. این اکثریت آن‌هاست. برخی نیز نمودارهای تیک، ۱۰ دقیقه‌ای، ۲ ساعته و ۳ ساعته را ارائه می‌دهند. به یاد داشته باشید که تمام این داده‌ها زنده و رایگان هستند.

همه می‌خواهند معامله‌گر روزانه باشند! خود من هم همینطور. فکر می‌کنم این فقط یک تصور رمانتیک است که در ذات انسان نهفته است. به خصوص اگر کسی از شما بپرسد برای امرار معاش چه می‌کنید و شما پاسخ دهید "من یک معامله‌گر روزانه هستم" بسیار جالب به نظر می‌رسد. تاثیرگذار به نظر می‌رسد. اگرچه کاش به همین آسانی بود. از آنجایی که نمودارها و داده‌ها بسیار خوب هستند، همیشه وسوسه می‌شوید که تایم فریم را کوتاه‌تر کنید، تا جایی که در نهایت سعی خواهید کرد از نمودارهای ۱ دقیقه‌ای سودهای کوچک بگیرید (اسکالپینگ). این همه در تئوری خوب به نظر می‌رسد، اما انجام آن بسیار دشوار است.

ببینید، من نمی‌گویم که این کار غیرممکن است زیرا مطمئنم تعداد کمی اسکالپر موفق وجود دارند. تصور نمی‌کنم تعداد زیادی باشند، اما به اندازه‌ای هستند که نشان دهند امکان پذیر

است. من تمام تایم فریم‌ها را امتحان کرده‌ام، و اگرچه احتمالاً بیشترین موفقیت را در تایم فریم‌های طولانی‌تر مانند ۴ ساعته و بالاتر داشته‌ام، اما هنوز هم در قلب یک معامله‌گر روزانه هستم.

باز هم، این تصمیمی است که باید بگیرید، چه بخواهید روزها یا دقایقی در یک معامله بمانید. معامله در تایم فریم‌های طولانی‌تر طبیعتاً معاملات کمتری به شما می‌دهد، اما به احتمال زیاد سودهای بزرگتر و زمان بیشتری را صرف نظارت خواهید کرد تا معامله واقعی. معامله در تایم فریم‌های کوتاه‌تر به شما فعالیت بیشتر، اسپرد بیشتری برای جبران و به احتمال زیاد سودهای کوچکتر می‌دهد. سپس ملاحظاتی مانند اندازه حد ضرر خواهید داشت. معامله در نمودار روزانه ممکن است نیاز به حد ضرری داشته باشد که ۱۲۰ پیپ از قیمت ورود شما فاصله داشته باشد، و وقتی قانون ریسک ۲٪ را در نظر بگیرید، در نهایت با اندازه موقعیت بسیار کوچکتری روبرو خواهید شد. حال، اگر در نمودار ۵ دقیقه‌ای معامله می‌کردید و حد ضرر ۱۵ پیپی داشتید و از همان ریسک ۲٪ استفاده می‌کردید، می‌بینید که اندازه موقعیت شما بسیار بزرگتر خواهد بود. مزیت این امر سود بالقوه بیشتر است، زیرا انتظار دارم پیپ‌های بسیار بیشتری از یک معامله در نمودار روزانه نسبت به یک معامله در نمودار ۵ دقیقه‌ای به دست آورم. کمی تناقض در اینجا وجود دارد.

سپس باید تصمیم بگیرید که کدام جفت ارز یا جفت ارزها را می‌خواهید معامله کنید. اگر در تایم فریم‌های بزرگتر چندین جفت ارز را معامله می‌کنید، انجام این کار بسیار آسان است. اگر به دنبال فعالیت بیشتر هستید، این ممکن است به شما کمک کند. اما معامله چندین جفت ارز در تایم فریم‌های کوچکتر می‌تواند کمی استرس‌زا و گاهی اوقات در هنگام حرکت سریع اوضاع، کنترل آن دشوار باشد. همچنین کمی با ذهن شما بازی می‌کند، به خصوص اگر در یک جفت ارز معامله ضررده داشته باشید و سعی کنید آن را در جفت ارز دیگری جبران کنید، که ممکن است باعث شود قوانین خروج معمول خود را نادیده بگیرید. فکر می‌کنم این را معامله انتقامی می‌نامند.

اگر قصد معامله در تایم فریم‌های کوچکتر را دارید، آیا می‌توانم اکیداً پیشنهاد کنم که برای شروع روی یک جفت ارز تمرکز کنید؟ این کار زندگی را بسیار آسان‌تر می‌کند و می‌توانید تمام تلاش و تمرکز خود را روی این یک جفت ارز بگذارید.

ستاپ اصلی من، EUR/USD در نمودار ۵ دقیقه‌ای با نمودار ۶۰ دقیقه‌ای در کنار آن است، فقط برای اینکه ایده‌ای از روند کلی به من بدهد. من چند اندیکاتور اساسی روی هر دو نمودار دارم. من EUR/USD را به چند دلیل انتخاب کردم. اول اینکه کمترین اسپرد را در Oanda دارد، در ساعات معاملات عادی تا ۵/۰ پیپ کاهش می‌یابد، و دوم اینکه به مراتب محبوب‌ترین

معامله‌گری فارکس، اصول اولیه به زبان ساده

جفت ارز معامله شده است. فکر می‌کنم نزدیک به ۷۰٪ از کل حجم فارکس را تشکیل می‌دهد. البته این را به عنوان نقل قول در نظر بگیرید! من یک مقدار پیپ هدف برای روز دارم و سپس کارم تمام می‌شود. نمودارهایم را می‌بندم و کارهای دیگر انجام می‌دهم. وقتی معامله ای باز ندارم، بهتر می‌خواهم.

موارد فوق کاری است که من انجام می‌دهم و برای من مؤثر است. ممکن است برای شما مؤثر نباشد و من قطعاً سعی نمی‌کنم کسی را متقاعد کنم که از مسیر من پیروی کند. اگر تجربه معامله در هر چیزی را داشته باشید، می‌دانید که هزاران روش مختلف برای معامله وجود دارد و فارکس نیز از این قاعده مستثنی نیست.

اگر به دنبال یک کتاب خوب در مورد معامله‌گری به طور کلی هستید، آیا می‌توانم کتابی به نام "معامله‌گری با احتمال بالا" نوشته مارسل لینک را پیشنهاد کنم؟ این کتاب تمام موضوعات اصلی را پوشش می‌دهد و با توجه به اینکه موضوع بسیار گسترده‌ای است، بسیار آموزنده است. او کار بسیار خوبی در پوشش درک و استفاده از اکثر اندیکاتورهای تکنیکال پرکاربرد انجام می‌دهد. این کتابی است که جایگاه خوبی در هر کتابخانه معاملاتی خوب خواهد داشت. "کتاب" دیگری که پیشنهاد می‌کنم "گوگل" است زیرا به مراتب بزرگترین کتابخانه جهان است، اما لطفاً به یاد داشته باشید که باید خوب را از بد جدا کنید.

فصل ۵

اطلاعات بیشتر در مورد ویژگی‌های خاص فارکس

نسبت ریسک به پاداش

نسبت ریسک به پاداش چیزی است که ممکن است زیاد در مورد آن بشنوید. برخی می‌گویند که هرگز نباید با نسبت ریسک به پاداش کمتر از ۱:۱، یا ۱:۲، یا ۱:۳ و غیره معامله کنید. تمام کاری که انجام می‌دهد مقایسه ریسک شما با پاداش شماست. در اینجا یک مثال برای درک آسان آن آورده شده است.

اگر نسبت ریسک به پاداش ۱:۲ داشته باشیم، به ازای هر یک واحدی که ریسک می‌کنیم، به دنبال دو واحد بازگشت خواهیم بود. یا به زبان اصطلاحات معاملاتی، اگر معامله‌ای با حد ضرر ۳۰ پیپ داشته باشیم، برای به دست آوردن نسبت ریسک به پاداش ۱:۲، به دنبال سود حداقل ۶۰ پیپ خواهیم بود. اگر نسبت ریسک به پاداش ۱:۳ بود، در همان مثال به دنبال سود ۹۰ پیپ خواهیم بود.

حال چرا نسبت ریسک به پاداش مهم است؟ خب، هم مهم است و هم نیست. همه چیز به نرخ موفقیت معاملات شما بستگی دارد.

اگر یک سیستم معاملاتی داشته باشید که در تمام معاملات دارای حد ضرر ثابت ۲۰ پیپ و هدف سود ثابت ۴۰ پیپ باشد، نسبت ریسک به پاداش شما ۱:۲ خواهد بود. اگر در ۴۰٪ از معاملات خود موفق باشید، در بلندمدت یک معامله‌گر سودآور خواهید بود. بنابراین مشکلی وجود ندارد. اما اگر نرخ موفقیت شما به زیر ۳۵٪ کاهش یابد، در بلندمدت با مشکل مواجه خواهید شد.

جایی که یک معامله‌گر ممکن است روش معاملاتی داشته باشد که در تمام معاملات از حد ضرر ۲۰ پیپ و هدف سود ۱۰ پیپ استفاده کند، که نسبت ریسک به پاداش منفی ۲:۱ را به شما می‌دهد، که به نظر بسیاری از معامله‌گران یک راه مطمئن برای نابودی محسوب می‌شود. اما اگر همان روش نرخ موفقیت ۷۰٪ داشته باشد، آنگاه این معامله‌گر در مجموع سودآور خواهد بود. و معامله‌گران موفق زیادی هستند که به این روش معامله می‌کنند.

برای ادامه این موضوع، یک معامله‌گر ممکن است روشی داشته باشد که در تمام معاملات دارای حد ضرر ۲۰ پیپ و هدف سود ۱۰۰ پیپ باشد. نسبت ریسک به پاداش عالی ۱:۵. در اینجا،

آن‌ها فقط به نرخ موفقیت کمی کمتر از ۲۰٪ برای سودآور بودن نیاز دارند. اینکه آیا می‌توانید تعداد زیاد معاملات ضررده را تحمل کنید یا خیر، مسئله دیگری است.

از آنچه دیگران در مورد نسبت ریسک به پاداش می‌گویند نترسید. هیچ چیز قطعی در اینجا وجود ندارد، اما فقط مطمئن شوید که ایده خوبی از نرخ موفقیت روش معاملاتی خود دارید تا بتوانید ببینید اگر همه چیز ثابت بماند، در بلندمدت به کجا خواهید رسید. اگر در بلندمدت ضرر می‌کنید، پس باید چیزی تغییر کند.

اینجاست که نگهداری سوابق معاملاتی خوب کمک می‌کند، و این موضوعی است که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

انواع سفارشات

معامله‌گری فارکس و ثبت سفارشات بسیار شبیه به سایر انواع معامله‌گری است. تغییر چندانی در اینجا وجود ندارد. اما برای کسانی که تازه وارد معامله‌گری شده‌اند، رایج‌ترین انواع سفارشات را مرور خواهیم کرد.

سفارش بازار (Market order) - این زمانی است که ما مستقیماً با قیمت فعلی بازار وارد معامله می‌شویم یا از آن خارج می‌شویم. اینجاست که اگر بازار به سرعت حرکت کند، ممکن است در برخی از پلتفرم‌ها مقداری لغزش قیمت (slippage) را تجربه کنید، که باید به آن توجه داشته باشید! اگر قیمتی را که دکمه خرید یا فروش را در آن زده‌اید از دست بدهید، از شما پرسیده می‌شود که آیا می‌خواهید با قیمت جدید ادامه دهید یا خیر. چند ثانیه به شما فرصت می‌دهد تا تصمیم بگیرید، و اگر کاری نکنید، سفارش لغو می‌شود. به این ریکوت (re-quote) می‌گویند و گاهی اوقات می‌تواند کمی ناامید کننده باشد.

سفارش توقف خرید (Buy Stop) یا توقف فروش (Sell Stop) - این زمانی است که شما در جهت روند وارد بازار می‌شوید. احتمالاً این ساده‌ترین راه برای توضیح آن است. در مورد سفارش توقف خرید، شما سفارشی برای خرید بالاتر از قیمت فعلی بازار قرار می‌دهید، بنابراین وقتی بازار بالا می‌رود، سفارش شما در حین عبور پر می‌شود، جایی که می‌خواهید بازار به صعود خود ادامه دهد. سفارش توقف فروش برعکس است. شما سفارشی برای فروش زیر قیمت فعلی تعیین می‌کنید، و وقتی بازار سقوط می‌کند، سفارش شما در حین عبور پر می‌شود و شما انتظار دارید بازار به سقوط خود ادامه دهد.

سفارش محدود خرید (Buy Limit) یا محدود فروش (Sell Limit) - این زمانی است که شما به دنبال بازگشت قیمت و حرکت در خلاف جهت روند فعلی هستید. با سفارش محدود خرید،

شما سفارشی برای خرید زیر قیمت فعلی بازار قرار می‌دهید، به این امید که بازار به سطح ورود شما برسد، جایی که سفارش شما پر می‌شود، و سپس امیدوارید که بازار تغییر جهت داده و صعود کند. یک معامله‌گر ممکن است از این روش در صورت معامله بر اساس سطوح فیبوناچی یا نقاط پیوت و غیره استفاده کند. آن‌ها دلیل خاصی خواهند داشت که چرا فکر می‌کنند بازار نزدیک به نقطه ورود آن‌ها تغییر جهت خواهد داد. اما سفارش محدود فروش برعکس است. شما سفارشی برای فروش بالاتر از قیمت فعلی بازار قرار می‌دهید، جایی که انتظار دارید قیمت به سفارش فروش شما برسد، پر شود و سپس دوباره به پایین برگردد. باز هم، ممکن است سطح مقاومتی، باندهای بولینگر یا چیز دیگری وجود داشته باشد که باعث شود معامله‌گر فکر کند قیمت نزدیک به نقطه ورود آن‌ها تغییر جهت خواهد داد.

در زمان ثبت معامله، بسیاری از پلتفرم‌ها به شما اجازه می‌دهند که حد ضرر و هدف سود خود را همزمان تنظیم کنید. این به شما بستگی دارد، اما من اکیداً پیشنهاد می‌کنم حداقل حد ضرر را در اسرع وقت تنظیم کنید. لازم نیست حد ضرر دلخواه شما باشد، اما تا زمانی که یکی تنظیم شده باشد، پس از آرام شدن اوضاع و ورود به معامله، می‌توانید به راحتی حد ضرر را به موقعیت دلخواه تنظیم کنید.

اینجاست که Oanda خوب است زیرا می‌توانید تنظیمات پیش‌فرض برای اندازه ورود، حد ضرر و سود تعیین کنید. پس از تنظیم این موارد، ثبت معامله بسیار ساده و سریع است، سپس می‌توانید به عقب برگردید و هر چیزی را که می‌خواهید تنظیم کنید، و این کار را می‌توان مستقیماً از نمودار نیز انجام داد. اندازه موقعیت در Oanda می‌تواند به صورت "اندازه واحد"، "مبلغ دلار آمریکا" یا "درصد" تنظیم شود. همچنین گزینه تنظیم حد ضرر متحرک (trailing stop) وجود دارد که می‌توان آن را به عنوان پیش‌فرض نیز تنظیم کرد. شما از این برای دنبال کردن حد ضرر خود در سطح معینی پشت قیمت فعلی استفاده می‌کنید تا با پیشرفت معامله، سود را قفل کنید. این چیزی نیست که من از آن استفاده کنم، بنابراین واقعاً نمی‌توانم در مورد مزایای استفاده از حد ضرر متحرک اظهار نظر کنم، اما برخی ممکن است آن را مفید بدانند.

به خاطر داشته باشید که بسیاری از این کارگزاری‌های مختلف یا پلتفرم‌های مختلف قوانین خود را برای میزان نزدیکی قرار دادن حد ضرر، هدف سود و غیره دارند. این می‌تواند بسته به زمان معامله شما در روز و همچنین در صورت انتشار اخبار مهم متفاوت باشد. خواهید دید که کارگزاری A برای چیزی خوب است که کارگزاری B نیست، با این حال کارگزاری B ممکن است مورد دیگری را در پلتفرم خود ارائه دهد که بسیار برتر از کارگزاری A باشد. همیشه در مورد کارگزاری‌ها یک معاوضه وجود دارد. نکته کلیدی یافتن تعادل مناسب بین صداقت (بسیار مهم)،



KohanFx.com

این فایل آموزشی به صورت کاملاً رایگان توسط **KohanFx | کهن اف ایکس** منتشر شده است؛ با هدف آشنا کردن شما با مفاهیم و راز و رمزهای بازارهای مالی مانند فارکس، بورس و ارزهای دیجیتال.

🎯 هدف ما در **KohanFx** این است که با معرفی اندیکاتورها، استراتژی‌ها و تکنیک‌های معاملاتی کاربردی، به شما کمک کنیم تا بهترین تصمیم‌ها را در مسیر معامله‌گری خود بگیرید.

📖 آموزش‌های رایگان و جامع

[آموزش بورس صفر تا صد رایگان](#)

[آموزش فارکس صفر تا صد رایگان](#)

[آموزش ارز دیجیتال صفر تا صد رایگان](#)

[مقایسه و رتبه بندی بهترین بروکر های فارکس برای ایرانیان](#)

[مقایسه و رتبه بندی بهترین صرافی های ارز دیجیتال برای ایرانیان](#)

به دنیای هیجان‌انگیز بازارهای مالی خوش آمدید!

t.me/kohanfx

قابلیت اطمینان، اسپرد، اجرا، نمودارها، پشتیبانی و غیره است. تحقیقات خود را در اینجا انجام دهید.

چند پیپ کافی است؟

این چیزی است که ممکن است توجه شما را جلب کند، زیرا ممکن است از میزان سود کمی که برای موفقیت در معامله‌گری فارکس واقعاً مورد نیاز است، شگفت زده شوید.

قبلاً در مورد میانگین حرکت روزانه جفت ارزهای اصلی مانند EUR/USD و GBP/USD صحبت کرده‌ام که معمولاً در حدود ۸۰ تا ۱۲۰ پیپ است. به یاد داشته باشید که این لزوماً از پایین‌ترین تا بالاترین قیمت یا بالعکس نیست، زیرا بازار ممکن است در آن دوره با همان قیمت شروع و تمام شود. بنابراین همانطور که می‌بینید، معمولاً مقدار قابل توجهی حرکت در روز وجود دارد، و بنابراین فرصت‌های زیادی برای به دست آوردن بخشی از آن حرکت وجود دارد.

من نمی‌دانم سبک زندگی شما چگونه است یا چه چیزی را درآمد مناسبی از معامله‌گری برای حفظ سبک زندگی فعلی خود می‌دانید، بنابراین بیاید فقط به طور کلی صحبت کنیم.

شما یک کارمند معمولی دوشنبه تا جمعه هستید و شاید شنبه‌های غیرمعمول نیز کار کنید. این در استرالیا معمول است. دستمزد شما ممکن است در حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار استرالیا در هفته باشد. بنابراین ما تقریباً ۴۰ ساعت کار در هفته به اضافه زمان رفت و آمد و هزینه‌ها و غیره را در نظر می‌گیریم.

در اوقات فراغت خود بعد از کار، در دنیای فارکس فعالیت می‌کنید و در آن بد نیستید. چند ساعت با حساب ۱۰,۰۰۰ دلاری خود معامله می‌کنید، ریسک خود را در هر معامله در حد ۲٪ نگه می‌دارید، حد ضررهای خود را خوب و نزدیک قرار می‌دهید و سودها را به سرعت قفل می‌کنید. پس از چند ساعت هر شب، می‌توانید به طور مداوم ۲۰ پیپ از بازار بگیرید و سپس کار را تمام کنید.

خیلی زیاد به نظر نمی‌رسد و همچنین خیلی سخت هم به نظر نمی‌رسد. آره، درست!

۲۰ پیپ در روز.

حالا با حساب ۱۰,۰۰۰ دلاری با ریسک ۲٪ و حد ضررهای نزدیک، معامله یک (۱) لات استاندارد کاملاً امکان پذیر خواهد بود. به یاد داشته باشید که من معمولاً می‌گویم یک (۱) پیپ در یک لات استاندارد برابر با ۱۰ دلار آمریکا است. اگر EUR، GBP، AUD یا NZD معامله می‌کردید، آنگاه دقیق خواهد بود.

حالا ۲۰ پیپ $\times$ ۱۰ دلار آمریکا = ۲۰۰ دلار آمریکا. برای ما استرالیایی‌ها، این حدود ۲۲۰ دلار استرالیا است (بسته به نرخ ارز در آن زمان). می‌دانم، هنوز آنقدرها چشمگیر به نظر نمی‌رسد. با این حال، این کار را برای ۵ روز انجام دهید، و در نهایت ۱۰۰ پیپ یا ۱,۰۰۰ دلار آمریکا یا ۱,۱۰۰ دلار استرالیا به دست می‌آورید. همین حالا، می‌توانم یک بهبود خوب در میانگین ۴۰ ساعت کار در هفته خود در استرالیا ببینم.

من در مورد شما نمی‌دانم، اما ۱,۰۰۰ دلار آمریکا در هفته مبلغ مناسبی به هر زبانی (چه مرد و چه زن) است. برخی به مبالغ بیشتری عادت دارند و ممکن است ۱,۰۰۰ دلار آمریکا را ارزش از رختخواب بلند شدن ندانند. اگر اینطور است، مطمئن می‌توانید با یک حساب بسیار بزرگتر شروع به معامله کنید یا من می‌توانم راهی را به شما نشان دهم تا بدون هیچ ریسک اضافی با استفاده از قدرت ترکیب سود، مبلغ را افزایش دهید! اگر می‌توانید روزانه ۲۰ پیپ سود کسب کنید، دیوانه‌وار است که سعی نکنید سود خود را بدون افزایش ریسک بهبود بخشید. چگونه این کار را انجام می‌دهیم؟

با استفاده از حساب ۱۰,۰۰۰ دلاری فوق و معامله یک (۱) لات استاندارد در طول هفته. ما ۱۰۰ پیپ برای هفته سود می‌کنیم؛ بنابراین در نهایت ۱,۰۰۰ دلار سود به دست می‌آوریم. حالا فرض کنید ما یک شغل معمولی داریم و به ۱,۰۰۰ دلار برای هزینه‌های زندگی نیازی نداریم، بنابراین آن را در حساب معاملاتی خود نگه می‌داریم. هفته بعد موجودی حساب ما اکنون ۱۱,۰۰۰ دلار است و با همان ریسک ۲٪ در هر معامله، اکنون می‌توانیم ۱/۱ لات استاندارد (یا ۱۱ مینی لات) معامله کنیم. اگر همان ۲۰ پیپ در روز را کسب کنیم، آنگاه روزانه ۲۲۰ دلار یا هفتگی ۱,۱۰۰ دلار سود می‌کنیم. جایی که هفته بعد، موجودی حساب ما به ۱۲,۱۰۰ دلار می‌رسد و اندازه موقعیت ما حدود ۱/۲ لات استاندارد خواهد بود و به همین ترتیب ادامه می‌یابد.

همانطور که می‌بینید، سود ما ۱۰٪ در هفته است و این بازده بسیار خوبی است. اکنون ممکن است برخی از شما فکر کنید که این حرف‌ها غیرواقعی و کمی باورنکردنی است. احتمالاً این قابل درک است زیرا ما به این شکل آموزش دیده‌ایم که فکر کنیم، جایی که باور داریم هر چیزی بالاتر از ۲۰٪ سود در سال نتیجه خوبی است.

مطمئنم که ۱۰٪ در هفته در دنیای معامله‌گری فارکس آنقدرها هم خارق‌العاده نیست. البته، اکثر معامله‌گران برای چنین نتایجی حاضرند هر کاری بکنند، اما من یک نفر را می‌شناسم که در بین معامله‌گران مشهور است و هدفش ۵٪ در روز است، و او این کار را فقط با دنبال کردن ۲۰ تا ۲۵ پیپ در روز با ریسک ۲٪ و فقط با معامله EUR/USD انجام می‌دهد.

موارد فوق ممکن است در یک دنیای ایده‌آل قابل دستیابی باشد، اما چه کسی در چنین دنیایی زندگی می‌کند؟ همه ما می‌دانیم که به این آسانی نیست زیرا به نظر می‌رسد معامله‌گران

تمایل دارند همه چیز را خراب کنند. فکر می‌کنم روانشناسی معامله‌گری نقش زیادی در این امر دارد، و این فصل دیگری است که در ادامه خواهد آمد.

بیشتر موارد فوق حول محور یک روش معامله‌گری روزانه می‌چرخد. بدیهی است اگر شما بر اساس نمودارهای ۶۰ دقیقه‌ای، ۴ ساعته یا روزانه معامله می‌کردید، اهداف روزانه متفاوتی خواهید داشت. اما هیچ چیز مانع از آن نمی‌شود که شما هدف هفتگی ۱,۰۰۰ دلاری را تعیین کرده و اندازه موقعیت خود را بر اساس آن تنظیم کنید.

مثال‌های فوق صرفاً برای این است که ایده‌ای از آنچه ممکن است به شما بدهد و متوجه شوید که واقعاً فقط باید سود ثابت و کوچکی را به طور منظم کسب کنید. لازم نیست در هر معامله به دنبال سود بزرگ باشید. ضررها را کنترل کنید، به اهداف خود برسید و سپس برای روز معامله را تمام کنید. ۲۰ پیپ سود در روز کافی خواهد بود!

به شما گفتم معامله‌گری فارکس آسان است!!

فصل ۶

روانشناسی معامله‌گری

حالا به موضوعی می‌رسیم که از آن متنفر هستید اما به آن عشق می‌ورزید! اگرچه بسیاری از مردم به سادگی از کنار این موضوع می‌گذرند و فکر می‌کنند که واقعاً مشکلی در معامله‌گری آن‌ها نیست، اما آن‌ها نمی‌توانند از حقیقت دورتر باشند.

این موضوع مهم است و مهم است که بدانید چگونه بر معامله‌گری شما تأثیر می‌گذارد. اکثریت نژاد بشر احساسات دارند و این احساسات قطعاً زمانی که پول نقد سخت به دست آورده خود را در معرض خطر قرار می‌دهید، وارد عمل می‌شوند. مطمئنم اگر مدتی است که معامله می‌کنید، انواع مختلفی از احساسات را تجربه کرده‌اید، برخی خوب و برخی نه چندان خوب. من که اینطور بوده‌ام.

مطمئن نیستم که این ارقام از کجا آمده‌اند، اما آن‌ها اظهار می‌کنند که ۹۵-۹۰٪ از معامله‌گران شکست می‌خورند! حدس می‌زنم اگر به این آسانی بود، همه ما این کار را می‌کردیم و سودهای هنگفتی به دست می‌آوردیم. هیچ کس مجبور به کار نبود، و اگر اینطور بود، ما هیچ بازار مالی برای معامله نداشتیم. نرخ موفقیت پایین است. پس چه چیزی باعث می‌شود فکر کنید شما می‌توانید یکی از ۱۰-۵٪ باشید که می‌تواند از این بازی معامله‌گری موفق بیرون بیاید؟ من فقط در مورد فارکس صحبت نمی‌کنم؛ من در مورد تمام معامله‌گری صحبت می‌کنم.

اکنون، به نظر فروتنانه من، معتقدم که "ترس" و "طمع" مقصران اصلی هستند که ما را از دستیابی به رویاهایمان باز می‌دارند. طوری که من به آن نگاه می‌کنم این است که شما از دست دادن حرکت بزرگ می‌ترسید، بنابراین در معامله می‌مانید، یا طمع دارید و همه چیز را از یک معامله می‌خواهید، بنابراین دوباره در معامله می‌مانید.

بیایید یک مثال ساده را بررسی کنیم. فرض کنید ما نمودار ۵ دقیقه‌ای EUR/USD را نگاه می‌کنیم. این معمولاً نموداری است که در طول روز حرکت نسبتاً زیادی دارد و بالا و پایین می‌رود. حال بازار فقط می‌تواند یکی از سه کار را انجام دهد. بالا می‌رود، پایین می‌رود یا به صورت جانبی حرکت می‌کند. حالا اگر شما خرید کرده و وارد معامله خرید EUR/USD شده باشید و قیمت بالا برود، شما برنده هستید. اگر به صورت جانبی حرکت کند، چیزی از دست نمی‌دهید و اگر پایین برود، ضرر می‌کنید. بنابراین برای ساده نگه داشتن موضوع در اینجا، شما ۳۳٪ احتمال از دست دادن پول دارید، که به این معنی است که ۶۶٪ احتمال عدم از دست دادن پول دارید.

بسیار خب، من فرض می‌کنم که قبل از خرید EUR/USD، طبق قوانین سیستم معاملاتی خود فکر می‌کردید که قیمت بالا خواهد رفت. مهم نیست از چه روشی برای معامله استفاده می‌کنید، زیرا هزاران روش برای انتخاب وجود دارد که به نظر شما احتمال حرکت معامله در جهت دلخواه شما را افزایش می‌دهد.

این خیلی آسان است زیرا ما ۶۶٪ احتمال عدم ضرر داریم و روشی داریم که شانس انتخاب جهت درست بازار را به طور کامل به نفع ما قرار می‌دهد. پس چرا اینقدر سخت است؟ احساسات انسانی کار را سخت می‌کند. به همین سادگی!

به محض ورود، هر یک از آن سه جهت می‌تواند رخ دهد، با این نکته که بازار به ندرت در یک خط مستقیم حرکت می‌کند. فقط به این دلیل که در آن زمان به نظر می‌رسد یک ستاپ خرید عالی است، ممکن است اینطور نباشد و شما دقیقاً در بالاترین قیمت روز خرید کرده باشید. این اتفاق می‌افتد و بازی‌های ذهنی شروع می‌شوند. یکی از عبارات مورد علاقه من که چندین بار در روز با صدای بلند به خودم می‌گویم این است: "صبر، شجاعت و انضباط". این عمدتاً به معامله‌گری من مربوط می‌شود، اما حدس می‌زنم می‌توانید آن را در بسیاری از رویدادهای روزمره زندگی خود نیز به کار ببرید.

صبر واضح است. شما منتظر سیگنال صحیح برای ورود به معامله، یا خروج از آن، می‌مانید. برای از دست دادن یک معامله نترسید زیرا فرصت بالقوه دیگری زودتر از دیرتر به وجود خواهد آمد. اگر شک دارید، بیرون بمانید. مطمئناً، ممکن است هر از چند گاهی برخی از حرکات خوب را از دست بدهید، اما اشکالی ندارد. شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید که هر معامله یا هر حرکت بازار را بگیرید.

شجاعت بیشتر به داشتن اعتقاد به روش معاملاتی خود و پیگیری آن، هم در دوران خوب و هم در دوران بد، اشاره دارد. شما می‌دانید که سیستم کار می‌کند زیرا آن را بارها و بارها آزمایش کرده‌اید. شما به برنامه پایبند هستید و هر معامله را تا انتها دنبال می‌کنید.

انضباط کل بسته است. شما یک روش معاملاتی آزمایش شده دارید و قوانین خاصی در این روش دارید. برای پیروی دقیق از قوانین باید منضبط باشید. بدون انضباط، وسوسه خواهید شد که قوانین را در میانه راه تغییر دهید، که احساسات را بیشتر گیج می‌کند و منجر به مشکلات بیشتری می‌شود.

آن‌ها قطعاً همه با هم مرتبط هستند و می‌توان آن‌ها را به عنوان یک چهارپایه سه پایه در نظر گرفت. بدون یکی از پایه‌ها، چهارپایه بی‌فایده است. این نشان می‌دهد که همه آن‌ها چقدر

مهم هستند. این فقط عبارت کوچک من است که مرا متمرکز نگه می‌دارد زیرا کلماتی هستند که هر روز از آن‌ها استفاده می‌کنم. ممکن است بخواهید روش تفکر یا برخورد خود با روانشناسی معامله‌گری را ابداع کنید.

در اینجا چند نمونه از نحوه بازی بازار با ذهن شما آورده شده است. شما تازه خرید کرده‌اید اما به محض ورود به معامله، بازار سقوط می‌کند و به نظر می‌رسد دقیقاً در بالاترین قیمت خرید کرده‌اید. سپس دقیقاً در پیم مورد نظر حد ضرر شما فعال می‌شود، جایی که بازار معکوس شده و در جهت انتخاب اول شما، از نقطه ورود اولیه شما عبور کرده و فراتر می‌رود. این اتفاق همیشه می‌افتد، و نه، هیچ نوع توطئه‌ای از طرف کارگزاری شما برای پاکسازی حد ضررهای شما وجود ندارد. این نوع اتفاقات شما را ناامید می‌کند، اما اگر بازار سقوط کند و به یک پیم حد ضرر شما برسد و سپس در جهت انتخاب اول شما معکوس شود و یک معامله بسیار موفق به شما بدهد، آنگاه خود را خوش شانس خواهید دانست که حد ضرر شما با یک پیم حفظ شده است. باز هم، این نوع اتفاقات همیشه می‌افتد. یک نتیجه باعث می‌شود احساس کنید تمام دنیا علیه شماست و نتیجه دیگر باعث می‌شود احساس کنید پادشاه جهان هستید.

شما ممکن است بیش از یک جفت ارز معامله کنید و در یکی از معاملات خود کمی ضرر کرده باشید. ۲۰ پیم در ضرر هستید و اکنون یک معامله خوب در جفت ارز دیگری دارید. قوانین شما بیان می‌کند که هدف سود شما ۱۵ پیم است، اما به دلیل اینکه در معامله قبلی ۲۰ پیم ضرر کرده‌اید، قوانین خود را نادیده می‌گیرید و به دنبال ۲۰+ پیم می‌روید تا ضرر خود را جبران کنید. معامله خوب پیش می‌رود، تا ۱۸+ پیم بالا می‌رود و سپس برمی‌گردد و به سرعت به سمت جنوب حرکت می‌کند و حد ضرر شما را فعال می‌کند. اکنون شما ۲۰ پیم از معامله قبلی در ضرر هستید و همچنین به اندازه هزینه این معامله ضرر کرده‌اید. احساسات شما در حال آزمایش شدن است، زیرا اگر طبق قوانین خود عمل کرده بودید، می‌توانستید ۱۵ پیم سود را طبق قوانین خود بگیرید و تا به امروز فقط ۵ پیم در ضرر باشید. این نوع معامله انتقامی توصیه نمی‌شود زیرا اغلب اوقات خود را در گودال عمیق‌تری فرو خواهید برد.

نمونه‌های زیادی از آنچه ممکن است اشتباه پیش برود وجود دارد، مانند حذف حد ضرر یا حتی دورتر کردن آن، افزودن به ضررها، نادیده گرفتن هدف، نادیده گرفتن سیگنال‌های برگشت یا خروج، زود بستن سودها، عدم تمرکز، فراموش کردن اخبار منتشر شده، معامله در هنگام بیماری (یا بعد از چند نوشیدنی)، اجازه دادن به غرور برای تعیین جهت بازار و غیره و غیره. دلایل زیادی وجود دارد که چرا اوضاع اشتباه پیش می‌رود، و وقتی این اتفاق می‌افتد، وضعیت ذهنی شما به طرق مختلف تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

هیچ پاسخ ساده‌ای برای همه این مشکلات احتمالی وجود ندارد، شما فقط باید روی انضباط خود کار کنید و روش خود را برای مقابله با این نوع مسائل پیدا کنید. به ضرر کردن در

معاملات عادت کنید و آن‌ها را همانطور که هستند بپذیرید، زیرا آن‌ها فقط بخشی از تصویر بزرگتر هستند. همچنین به دیدن معاملات بالقوه که می‌آیند و می‌روند بدون اینکه شما در آن‌ها باشید عادت کنید. شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید که هر حرکت در بازار را بگیرید. همچنین اگر بتوانید احساسات خود را کنترل کنید، با برخورد یکسان با هر معامله، چه سودآور و چه ضررده، یک مزیت است. البته، نتیجه مطلوب سودآوری است، بنابراین باید نسبتاً جدی گرفته شود. اگر می‌خواهید سودآور باشید، به قوانین خود پایبند باشید، تمرکز کنید و احساسات خود را کنترل کنید.

صبر، شجاعت و انضباط را به یاد داشته باشید!

کمی بیشتر در مورد روانشناسی

اکثر معامله‌گران این کار را از آنچه اکثر مردم یک پیشینه عادی می‌دانند، شروع می‌کنند. منظورم این است که شما یک شغل معمولی دارید که در آن باید ۳۸، ۴۰، ۵۰ یا هر چند ساعت در هفته کار کنید. در پایان هفته، چک حقوق خود را دریافت می‌کنید و می‌دانید که به ازای هر ساعتی که کار کرده‌اید، ۲۵ دلار (فقط مثال) درآمد داشته‌اید. بنابراین ممکن است این ذهنیت در شما شکل گرفته باشد که برای استحقاق چک حقوق ۱۰۰۰ دلاری خود باید ۴۰ ساعت در هفته کار کنید. من فقط در مورد آقای یا خانم متوسط صحبت می‌کنم. حال در معامله‌گری، اوضاع کمی متفاوت است و کمی زمان می‌برد تا به آن عادت کنید. معامله‌گران به روش‌های مختلف در تایم فریم‌های مختلف با اهداف مختلف معامله می‌کنند.

بنابراین ابتدا به مثال معامله‌گر روزانه خود برمی‌گردیم، جایی که من به دنبال سناریوی ۲۰ پیپ در روز بودم. فرض کنید من ساعت ۲ بعد از ظهر به وقت محلی شروع به معامله کردم و تا ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر به وقت محلی به ۲۰ پیپ خود رسیدم. این اتفاق نسبتاً زیاد می‌افتد. بنابراین ۳۰ دقیقه طول کشیده است تا به هدف روزانه خود برسم. حالا چه؟ کار هوشمندانه و منضبطانه این است که پلتفرم معاملاتی خود را خاموش کرده و دور شوید. فکر می‌کنید اکثر معامله‌گران واقعاً چه کار خواهند کرد؟ آن‌ها فکر می‌کنند، خب فقط ۳۰ دقیقه طول کشید تا به هدفم برسم، پس تصور کنید در چند ساعت چه چیزی می‌توانم به دست آورم. من باید سود خود را با کمی تلاش توجیه کنم! تضمین می‌کنم که معامله بعدی بازنده خواهد بود. سپس مشکل تعقیب خود برای چند ساعت آینده فقط برای رسیدن به هدف ۲۰ پیپ را دارید. حداقل ۸ ساعت معامله خواهید کرد و در نهایت به همان نتیجه خواهید رسید. من این کار را چند بار در گذشته انجام دادم، زیرا کمی دیر یاد می‌گرفتم، اما اکنون، به محض اینکه به هدفم رسیدم، حد ضررها را خیلی نزدیک می‌آورم تا آن را قفل کنم، و اگر بازار در جهت مطلوب به حرکت

خود ادامه دهد، برای من خوش شانس است، اما به محض اینکه حد ضرر من فعال شد، معامله دیگری باز نخواهم کرد. دور شوید.

مثال دیگری که تجربه کردم، معامله با یک گروه بر اساس نمودارهای ۶۰ دقیقه‌ای بود که ما همیشه در بازار بودیم. اساساً موقعیت شما باید در ابتدای هر ساعت بررسی می‌شد. ما ۳ جفت ارز را معامله می‌کردیم و هدف کلی ما ۲۰۰+ پیپ برای هفته بود. به محض اینکه به ۲۰۰ پیپ رسیدیم، کار را تمام می‌کردیم و سپس منتظر دوشنبه بعد می‌ماندیم. همانطور که تصور می‌کنید، نظارت بر ۳ جفت ارز در هر ساعت می‌تواند منجر به کمبود خواب، فروپاشی ازدواج، عدم زندگی اجتماعی و غیره شود، اما خبر خوب این بود که بیشتر هفته‌ها تا عصر سه‌شنبه کار ما تمام می‌شد. بنابراین صبح دوشنبه شروع می‌کردیم و تا عصر سه‌شنبه، با ۲۰۰ پیپ خود که به سلامت در بانک بود، کارمان تمام می‌شد. ادامه معامله برای بقیه هفته برای سود بزرگ بسیار وسوسه‌انگیز بود، و در ابتدا ما این کار را می‌کردیم، و مانند مثال ۲۰ پیپ در روز، در نهایت چند معامله را از دست می‌دادیم که ما را به جایی که دوشنبه شروع کرده بودیم برمی‌گرداند. هفته‌های نادری هم بود که مجبور بودیم تمام هفته کار کنیم تا به هدف (یا نزدیکترین حد ممکن) برسیم و اصلاً خوشایند نبودند. در یک هفته خوب، ما فقط چند معامله انجام می‌دادیم و ظرف چند ساعت کارمان تمام می‌شد. متوجه نمی‌شوید که نشستن و دست روی دست گذاشتن برای بقیه هفته چقدر سخت است.

منظور من در اینجا این است که فقط به این دلیل که چند دقیقه یا چند ساعت طول کشیده است تا آنچه را که معمولاً در یک روز یا یک هفته به دست می‌آورید، کسب کنید، فکر نکنید که باید با دنبال کردن معاملات بیشتر، زمان خود را توجیه کنید. یکی از دلایل اصلی که همه ما وارد این کار می‌شویم، پاداش‌های مالی و زمان برای لذت بردن از آن پاداش‌های مالی است. سعی کنید از عامل طمع دوری کنید و فقط بر کسب سودهای کوچک و ثابت در طول زمان بدون خسته کردن خود تمرکز کنید. هنگامی که بتوانید به این مهم دست یابید، آنگاه فقط مسئله اجازه دادن به قدرت ترکیب سود برای انجام کار خود است. ممکن است در ابتدا کند پیش برود و فکر کنید دستیابی به هرگونه بازده قابل توجه واقعی برای همیشه طول خواهد کشید، اما هنگامی که مانند مثال گلوله برفی سرعت بگیرد، غرق در آن خواهید شد.

به دنبال ۲۰ پیپ سود در یک حساب ۱,۰۰۰ دلاری دقیقاً مشابه دنبال کردن ۲۰ پیپ سود در یک حساب ۵۰۰,۰۰۰ دلاری است، تا زمانی که درصد ریسک شما ثابت بماند. این فقط ذهن است که وقتی با اعداد بزرگتر سروکار پیدا می‌کنید، با شما بازی می‌کند. اگر به اعداد بزرگ عادت ندارید، گاهی اوقات درک آن‌ها کمی دشوار است. برنامه این است که به آرامی اما مطمئناً پیشرفت کنید، و وقتی به سطحی رسیدید که با آن راحت هستید، ممکن است ایده خوبی باشد که از سودهای خود لذت ببرید و پول را در سرمایه‌گذاری‌های دیگر مانند خیریه‌ها، آموزش،

خانواده یا حتی یک استون مارتین سرمایه‌گذاری مجدد کنید. هر چه شما را خوشحال می‌کند.

خب، این مقدار کافی از مطالب عمیق و خسته کننده، هرچند بسیار مهم، بود. فصل‌های بعدی به چند ایده معاملاتی و مکان‌هایی که می‌توانیم این ایده‌ها را پیدا کنیم، می‌پردازد که باید کمی هیجان‌انگیزتر باشد. اما لطفاً از ترس و طمع و نحوه تأثیر آن بر معامله‌گری خود بسیار آگاه باشید!

فصل ۷

وقت معامله است

خب وقت وارد شدن به معامله است. تا به امروز، من توضیح داده‌ام که فارکس چیست، بنابراین باید ایده نسبتاً خوبی از اصول اولیه داشته باشید. اکنون مسئله این است که با انجام کمی معامله، دست‌های خود را کثیف کنید. همانطور که قبلاً اشاره کردم، کارگزاری‌های زیادی وجود دارند که به شما فرصت معامله نمایشی را می‌دهند. این ایده بسیار خوبی است، اما لطفاً فریب این فکر را نخورید که می‌توانید معاملات نمایشی خود را بدون هیچ مشکلی در معاملات واقعی خود تکرار کنید. این اصلاً ممکن نیست! آنچه من پیشنهاد می‌کنم این است که یک حساب واقعی باز کنید که به شما امکان ورود با میکرو لات (۱ پیپ = ۱۰ سنت) را بدهد، بنابراین حداقل با پول واقعی معامله می‌کنید. می‌دانم زیاد نیست، اما به اندازه‌ای هست که شما را علاقه‌مند نگه دارد. هر کسی می‌تواند با موفقیت یک حساب نمایشی را معامله کند زیرا هیچ ریسک یا احساسات واقعی درگیر نیست.

احتمالاً تا الان حدس زده‌اید که من یک معامله‌گر تکنیکال هستم، به این معنی که برای تعیین نقاط ورود به معامله و غیره به نمودارها نگاه می‌کنم. من اخبار را معامله نمی‌کنم، صرفاً به این دلیل که آن را درک نمی‌کنم، اما از زمان انتشار اخبار مهم بسیار آگاه هستم.

وقتی می‌گویم بر اساس نمودارها معامله می‌کنم، اساساً به این معنی است که از تحلیل تکنیکال استفاده می‌کنم. من کل جنبه بصری نمودارها را دوست دارم. اکنون هزاران اندیکاتور تکنیکال و روش معاملاتی وجود دارد. آن‌ها همه جا هستند. فقط به هر یک از انجمن‌های بزرگ معامله‌گری فارکس نگاه کنید، و اطلاعات رایگان زیادی در مورد انواع روش‌های معامله‌گری از نمودارهای تیک گرفته تا نمودارهای ماهانه خواهید یافت. برخی از اطلاعات خوب هستند، اما بیشتر آن‌ها مزخرف هستند.

باید به خاطر داشته باشید، آنچه ممکن است برای یک معامله‌گر خوب کار کند، ممکن است برای دیگری اصلاً کار نکند. همچنین، ممکن است دو معامله‌گر EUR/USD را معامله کنند. معامله‌گر A ممکن است در موقعیت خرید باشد و معامله‌گر B ممکن است در موقعیت فروش باشد. اکنون طبیعتاً فکر می‌کنید که یکی از آن‌ها باید اشتباه کند، اما اگر معامله‌گر A بر اساس نمودار ۱ دقیقه‌ای و معامله‌گر B بر اساس نمودار روزانه معامله می‌کرد، آنگاه کاملاً ممکن است که هر دو در تحلیل خود درست باشند (یا هر دو اشتباه باشند). اسب‌های مختلف برای مسابقه‌های مختلف.

اندیکاتورهای تکنیکال بسیار زیادی وجود دارند که پوشش دادن همه آنها برای من دشوار خواهد بود. من از بسیاری از آنها آگاه هستم و بیشتر آنها را امتحان کرده‌ام. من خیلی سریع می‌فهمم که آیا چیزی برای من کار می‌کند یا نه. من اندیکاتورهای مورد علاقه خود را دارم و اندیکاتورهایی نیز دارم که اصلاً نمی‌دانم کسی چگونه آنها را تحلیل می‌کند.

یک نکته را باید بگویم و آن این است که حدود ۹۹٪ از اندیکاتورهای تکنیکال اندیکاتورهای تأخیری هستند. یعنی آنها فقط پس از حرکت بازار واقعاً حرکت می‌کنند، و موقعیت آنها فقط پس از آشکار شدن موقعیت بازار آشکار می‌شود. هر کسی می‌تواند به تاریخچه (سمت چپ) یک نمودار نگاه کند و حرکات زیبایی را بر اساس اندیکاتور دلخواه خود ببیند. آن نگاه به گذشته ابزار فوق‌العاده‌ای است! فکر می‌کنم تمام چیزی که نیاز دارم یک ماشین زمان است که مرا حدود ۱ ساعت به آینده ببرد و سپس مراقب فارکس باشم. کمی احمقانه شد، اما منظورم را متوجه می‌شوید. هنگامی که شما به صورت زنده با استفاده از اندیکاتورهای خود معامله می‌کنید و به سمت راست‌ترین قسمت نمودار خود (قیمت فعلی) نگاه می‌کنید، فقط یک نظر در مورد اینکه قیمت بعدی به کدام سمت حرکت خواهد کرد دارید، زیرا مطمئناً نمی‌دانید به کدام سمت خواهد رفت. هیچ کس نمی‌داند! تمام کاری که اندیکاتورهای تکنیکال انجام می‌دهند این است که بر اساس تفسیر شما از اندیکاتور/ها در آن زمان، احتمال وقوع چیزی در یک جهت خاص را افزایش می‌دهند.

می‌گویند بسیاری از اندیکاتورهای تکنیکال خودتحقق‌بخش هستند. منظور من این است که بسیاری از معامله‌گران از اندیکاتورهای یکسانی استفاده می‌کنند و بنابراین انتظار دارند در یک نقطه خاص اتفاق یکسانی رخ دهد. یک مثال استفاده از نقاط پیوت (Pivot Points) است. قیمت به سمت R1 (اولین سطح مقاومت) در حال حرکت است، به طور خلاصه به آن می‌رسد و دوباره به پایین برمی‌گردد. آیا این سطح R1 واقعی بود که قیمت را متوقف کرد یا این مورد بود که بسیاری از معامله‌گران از این سطح آگاه بودند و در آن سطح سفارش فروش قرار دادند و قیمت را مجبور به بازگشت به پایین کردند؟ چه کسی می‌داند؟ همین امر در مورد میانگین‌های متحرک محبوب مانند ۵۰ یا ۲۰۰، همچنین سطوح فیبوناچی، باندهای بولینگر و غیره نیز صدق می‌کند.

یک چیز را باید به خاطر بسپارید: قیمت پادشاه است.

نقطه سر خط!

شما می‌توانید تمام اندیکاتورهای دنیا را روی نمودار خود داشته باشید، با همسویی تمام سیارات، جایی که ۱۰۰٪ فکر می‌کنید قیمت در جهت خاصی حرکت می‌کند، اما دقیقاً خلاف آن را

می‌بینید. هیچ قطعیتی در معامله‌گری وجود ندارد، بنابراین باید همیشه برای بدترین حالت آماده باشید. قیمت پادشاه است!

من به عنوان یک معامله‌گر، ترجیح می‌دهم معامله را در جهت بازار در آن زمان باز کنم، یا به عبارت دیگر، من با روند حرکت می‌کنم. برخی از معامله‌گران ترجیح می‌دهند به دنبال نقاط برگشت بگردند، جایی که در خلاف جهت روند فعلی معامله می‌کنند. به مثال نقاط پیوت من در بالا با قیمت نزدیک به سطح R1 برگردید. اگر در موقعیت خرید بودم، تمایل بیشتری داشتم که معامله را تا آن سطح ادامه دهم و نزدیک آن سطح به فکر خروج باشم، در حالیکه معامله‌گر دیگری ممکن است سفارشی برای فروش در سطح R1 قرار داده باشد و به دنبال آن بازگشت به پایین باشد، حتی اگر قیمت در چند ساعت گذشته به سمت آنجا حرکت کرده باشد. هیچ تضمینی وجود ندارد که بازار در سطح R1 متوقف شده و معکوس شود، زیرا ممکن است بدون هیچ مشکلی به حرکت خود ادامه دهد. من هنوز نمی‌توانم به دنبال نقاط برگشت بگردم، اما برای سایر معامله‌گران بسیار موفقیت‌آمیز بوده است.

من در طول سال‌ها سیستم‌های مختلفی را دیده‌ام و از میزان تلاش و تخیلی که در برخی از آن‌ها به کار رفته است قدردانی می‌کنم. بسیاری از این‌ها با برداشتن یک اندیکاتور یا ایده استاندارد و کمی تغییر دادن آن انجام می‌شوند تا شما کاری را که همه انجام می‌دهند، انجام ندهید. نکته کلیدی یافتن چیزی است که برای شما کار کند.

من از اندیکاتورهای تکنیکال استفاده می‌کنم و هم به معاملات کوتاه مدت و هم بلند مدت نگاه می‌کنم. گاهی اوقات دوست دارم برای روز زود تمام شود و گاهی اوقات مشکلی ندارم که دائماً در بازار باشم. اگر حق انتخاب داشتم، ترجیح می‌دادم در تایم فریم‌های طولانی‌تر معامله کنم تا فقط نویز را حذف کنم. همچنین نمی‌خواهم ساعت‌ها پشت کامپیوترم بنشینم، اما باز هم از هیجان تعقیب لذت می‌برم. گاهی اوقات منتظر ماندن برای ستاپ در تایم فریم‌های طولانی‌تر برای من کمی خسته کننده می‌شود زیرا من کمی فعالیت بیشتر را دوست دارم. حدس می‌زنم باید مانند همه تعادلی پیدا کنم، از این رو دلیل داشتن دو حساب برای پوشش هر دو نوع معامله است. زیبایی معامله‌گری روزانه این است که اگر یک یا دو روز را از دست بدهید، واقعاً مهم نیست، اما اگر در تایم فریم‌های بزرگتر معامله می‌کنید، کاملاً به بازارها متعهد هستید.

معامله‌گری روزانه یا معامله‌گری بلند مدت؟

ابتدا به معامله‌گری کوتاه مدت می‌پردازم. اکثر مردم این را معامله‌گری روزانه می‌نامند. اگر شما یک معامله‌گر روزانه هستید، به این معنی است که در همان روز یا جلسه وارد و خارج از بازار خواهید شد. پس از پایان کار برای روز، هیچ معامله باز باقی نخواهید داشت. در اصطلاح معامله‌گری به این "فلت بودن" می‌گویند. اگر بتوانم کاری کنم که ساعت‌ها پشت کامپیوترم

نشینم، ترجیح می‌دهم این کار را نکنم. احتمالاً تا الان متوجه شده‌اید که من یک هدف مشخص برای روز دارم و این معمولاً حدود ۲۰ پیپ سود است. من محاسبات و قدرت ترکیب سود را بررسی کرده‌ام، بنابراین شما قبلاً نظرات من را در این مورد می‌دانید.

در معامله‌گری روزانه، من فقط به معامله یک جفت ارز، EUR/USD، پایبند هستم. این به مراتب محبوب‌ترین جفت ارز برای معامله است و به طور مداوم کمترین اسپرد را دارد. در Oanda، که پلتفرم معامله‌گری روزانه من است، اسپرد معمولاً کمتر از ۰/۸ پیپ است. اگر جفت ارزی را معامله می‌کردید که اسپرد ۵ پیپ داشت، به محض ورود، بازار باید حداقل ۵ پیپ به نفع شما حرکت کند تا به نقطه سر به سر برسید. معامله یک جفت ارز همچنین به شما امکان می‌دهد تمام تلاش خود را روی آن جفت ارز متمرکز کنید.

من معمولاً معاملات خود را هر زمانی بعد از ساعت ۲ بعد از ظهر به وقت محلی شروع می‌کنم. این انتهای جلسه آسیا است که پس از آن جلسه لندن (اروپا) دنبال می‌شود، و اگر تا آن زمان کارم تمام نشده باشد، وارد جلسه ایالات متحده می‌شوم. همانطور که قبلاً اشاره کردم، قبل از شروع کار با فارکس فکتوری (Forex Factory) بررسی خواهم کرد تا ببینم چه اخبار مهمی قرار است منتشر شود که ممکن است بر EUR یا USD تأثیر بگذارد. من باید از این موارد آگاه باشم تا بتوانم در آن زمان‌ها آماده باشم. بسیار مهم است!

من به ستاپ‌های خاصی که معامله‌گران روزانه استفاده می‌کنند نمی‌پردازم؛ زیرا تنوع آن‌ها آنقدر زیاد است که نمی‌توانم حق مطلب را در این کتاب ادا کنم. برخی از معامله‌گران به دنبال معامله بر اساس نمودارهای ۱ دقیقه‌ای هستند، در حالی که دیگران به تایم فریم‌های بالاتر نگاه می‌کنند. یک مثال می‌تواند یک معامله‌گر روزانه باشد که از نمودار ۵ دقیقه‌ای برای ورود و خروج استفاده می‌کند، اما تمام این معاملات را بر اساس جهت نمودار ۱ ساعته انجام می‌دهد، که به نوعی به عنوان فیلتر عمل می‌کند. اگر به هر یک از انجمن‌های محبوب معامله‌گری مراجعه کنید، هزاران نمونه از ستاپ‌های معامله‌گری روزانه را خواهید یافت.

در معامله‌گری روزانه، باید از نظر تلاش و تمرکز تمام توان خود را بگذارید. باید آماده پذیرش ضررهای کوچک باشید و به تدریج از بازار سود کسب کنید. تقریباً هر روز، یک یا دو حرکت مناسب در نمودار ۵ دقیقه‌ای وجود دارد که ارزش تمام تلاش‌ها را خواهد داشت. طمع نکنید و به دنبال سود بزرگ در هر معامله نباشید. شاید روز خود را با یک معامله کوچک با هدف ۵ پیپ سود شروع کنید تا حس موفقیت را تجربه کنید. در معامله‌گری روزانه، قضاوت شخصی نیز نقش زیادی دارد، زیرا تکیه صرف بر اندیکاتورها برای ورود و خروج از معاملات بسیار دشوار است. اندیکاتورها قطعاً کمک می‌کنند، اما مواقع زیادی وجود دارد که فقط به نمودار نگاه می‌کنید و می‌بینید چیزی درست به نظر نمی‌رسد، و در این صورت، ممکن است از آن معامله

صرف نظر کنید. ممکن است از این تصمیم پشیمان شوید، اما این بخشی از معامله‌گری است. به زودی معاملات زیادی در راه خواهد بود.

اکنون می‌خواهم در مورد معامله‌گری بلندمدت صحبت کنم، جایی که می‌توانید ساعت‌ها، روزها یا حتی هفته‌ها در یک معامله بمانید. وقتی می‌گویم بلندمدت، معمولاً به معامله بر اساس نمودارهای ۱ ساعته، ۴ ساعته یا روزانه اشاره می‌کنم. برخی از معامله‌گران ممکن است به نمودار هفتگی یا حتی نمودار ماهانه نگاه کنند، اما این برای من مناسب نیست. برخی حتی ممکن است استفاده از نمودارهای ۱ ساعته و ۴ ساعته را معامله‌گری نوسانی (Swing Trading) بنامند. من مشکل معامله بر اساس نمودارهای ۱ ساعته را این می‌دانم که شما تمایل دارید مقدار قابل توجهی نظارت بر صفحه نمایش نیز انجام دهید، از این رو من به نمودارهای ۴ ساعته و روزانه گرایش دارم.

با نمودارهای روزانه، من معمولاً حداقل یک بار در روز، احتمالاً دو بار، معاملات خود را بررسی می‌کنم. نمودارهای روزانه من ساعت ۸ صبح به وقت محلی به روز جدید تغییر می‌کنند، بنابراین من آن‌ها را اول صبح که از خواب بیدار می‌شوم بررسی می‌کنم، و اگرچه هنوز کندل جدید باز نشده است، اما ایده نسبتاً خوبی از آنچه اتفاق می‌افتد خواهم داشت زیرا بعد از بسته شدن بازار ایالات متحده است و آسیا هنوز واقعاً شروع نکرده است. یک منطقه مرده است، که برای من کاملاً مناسب است. سپس شاید عصرها، فقط برای اطمینان از اینکه هیچ تغییر چشمگیری رخ نداده است. این برای من کافی خواهد بود. نمودارهای ۴ ساعته طبیعتاً نظارت بیشتری را می‌طلبند اما همچنان می‌توانند به خوبی با یک شغل معمولی روزانه هماهنگ شوند.

معامله بر اساس نمودارهای روزانه زمان آزاد بسیار بیشتری را برای انجام کارهای دیگر در زندگی، مانند رفتن به ساحل، پیاده‌روی با سگ‌ها، بازی شطرنج یا هر کاری که شما را خوشحال می‌کند، در اختیار شما قرار می‌دهد. از آنجا که زمان بسیار بیشتری دارید و تصمیمات معاملاتی شما عجولانه نیست، می‌توانید به طور همزمان چندین جفت ارز را دنبال کنید. نیازی به محدود کردن خود به یک جفت ارز در اینجا نیست. همچنین اسپردها چندان مشکلی ایجاد نمی‌کنند، زیرا حرکات بزرگی درگیر هستند که حتی یک اسپرد نسبتاً بزرگ نیز به خوبی در این حرکت جذب خواهد شد.

اما لطفاً توجه داشته باشید، شما نمی‌توانید با همان اندازه موقعیت در معاملات خود وارد شوید. چند دلیل برای این امر وجود دارد. یکی اینکه بعید است از همان حد ضررهای نزدیک که در روش معامله‌گری روزانه (۵ دقیقه‌ای) استفاده می‌کنید، استفاده کنید. ممکن است، اما من شک دارم. ریسک خود را در هر معامله به خاطر داشته باشید. من در مورد ریسک ۲٪ در هر

معامله بحث کرده‌ام، و اگر از این رقم استفاده کنید، آن ۲٪ باید در این نوع معاملات نیز حفظ شود. بنابراین منطقی است که اگر از حد ضرر ۱۵ پیپی در معامله نمودار ۵ دقیقه‌ای استفاده می‌کردید و از حد ضرر ۱۵۰ پیپی در نمودار روزانه استفاده می‌کردید، اندازه موقعیت شما در نمودار روزانه بسیار کوچکتر خواهد بود.

و ثانیاً، از آنجا که احتمالاً چندین جفت ارز را به طور همزمان معامله می‌کنید، ریسک کلی شما بالاتر خواهد بود، به خصوص اگر جفت ارزهای دارای معاملات باز همبستگی بالایی داشته باشند مانند EUR/USD و USD/CHF. باز هم این یک مسئله ریسک است، اما بیشتر یک ریسک کلی است. اگر شما ۲٪ روی یک معامله خرید EUR و همچنین ۲٪ روی یک معامله فروش CHF ریسک کنید، به دلیل همبستگی بسیار بالای آن‌ها، ریسک واقعی شما بیشتر شبیه ۴٪ است، زیرا اگر یکی اشتباه پیش برود، به احتمال زیاد دیگری نیز همینطور خواهد شد. هنگام ترکیب تمام معاملات باز خود، از ریسک کلی خود آگاه باشید. ممکن است ایده خوبی باشد که هنگام ظاهر شدن چندین سیگنال خوب در رادار خود، به دنبال جفت ارزهایی با کمترین همبستگی برای معامله بگردید. کمی عقل سلیم در اینجا لازم است.

اکنون باید به خاطر داشته باشید که شما بر اساس نمودارهای روزانه معامله می‌کنید، بنابراین ممکن است حرکات بسیار بزرگی را بر خلاف میل خود تجربه کنید، و بسیاری از معامله‌گران ممکن است با چند صد پیپ یا بیشتر در یک حرکت بر خلاف میل خود راحت نباشند. این فقط برای آن‌ها خوشایند نیست زیرا با ذهن آن‌ها بازی می‌کند. به یاد داشته باشید که برخی از این جفت ارزهای اصلی به طور متوسط بیش از ۱۰۰ پیپ در روز حرکت می‌کنند. با این حال، باید به تصویر بزرگتر نگاه کنید، زیرا به محض اینکه شروع یک حرکت خوب را تشخیص دهید، سود شما می‌تواند صدها یا حتی هزاران پیپ یا بیشتر باشد. این حرکاتی هستند که می‌خواهید آن‌ها را شکار کنید و باور کنید، تعداد زیادی از آن‌ها وجود دارد.

معامله چندین جفت ارز همچنین ممکن است به نتیجه کلی کمک کند (تا زمانی که در تمام معاملات اشتباه نکنید). شما باید به تصویر بزرگتر نگاه کنید و نه فقط نتایج خود را به صورت روزانه یا هفتگی قضاوت کنید. من پیشنهاد می‌کنم به نتایج ماه به ماه نگاه کنید، زیرا این امر نشانه کلی بسیار بهتری از عملکرد معاملات نمودار روزانه شما خواهد داد. شما باید به آن زمان بدهید تا خود را به هر نحوی ثابت کند.

معامله بر اساس نمودارهای ۴ ساعته یا روزانه یک روش آرام برای معامله است و ممکن است برای معامله‌گری که شغل روزانه معمولی یا وظایف خانوادگی دارد و مانع از این می‌شود که ساعت‌ها پشت کامپیوتر بنشیند و تبدیل به یک زامبی شود، مناسب باشد. گزینه‌ها نسبتاً نامحدود هستند و انجمن‌های معامله‌گری اگر در ایجاد سیستم یا روش خود مشکل دارید،

ایده‌های زیادی به شما خواهند داد. شما باید چیزی را پیدا کنید که برای شما کار کند و چیزی که با آن راحت باشید. همه سیستم‌های معاملاتی یکسان نیستند، و همه معامله‌گران نیز یکسان نیستند.

نگهداری ژورنال یا دفترچه خاطرات معاملاتی

قبل از اینکه به جنبه معاملاتی واقعی بپردازم، یک نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم استفاده از ژورنال یا دفترچه خاطرات معاملاتی است. این برای من بسیار مهم است زیرا نه تنها سوابق دقیقی از نتایج معاملاتم، بلکه سایر اطلاعات مفیدی را که در صورت لزوم می‌توانم بعداً به آن‌ها مراجعه کنم، نگه می‌دارد.

یک ژورنال یا یک دفترچه خاطرات می‌تواند به سادگی یک دفتر مشق باشد که در آن همه چیز را با دست می‌نویسید. وقتی قلم روی کاغذ می‌گذارم، در واقع باعث می‌شود به کاری که انجام می‌دهم فکر کنم و به من کمک می‌کند تا افکارم را در آن زمان تأیید کنم. ممکن است تصمیم بگیرید اطلاعات خود را به صورت آنلاین از طریق یک سند ورد در حال ویرایش یا چیزی مشابه نگه دارید - فقط مطمئن شوید که در حین کار از آن‌ها نسخه تهیه کرده و پشتیبان بگیرید.

من همچنین گاهی اوقات از صفحات گسترده اکسل برای ارائه یک نمای کلی از نتایج هنگام آزمایش سیستم‌های مختلف استفاده می‌کنم. یک نگاه به این‌ها می‌تواند یک نمای کلی سریع و دقیق از نحوه عملکرد یک روش خاص، به خصوص اگر به آن رنگ اضافه کنید، به من بدهد.

یک ژورنال یا دفترچه خاطرات صرفاً مکانی برای ثبت نتایج معاملات شما نیست، بلکه بسیار بیشتر از آن است. اگر از یک روش خاص معامله می‌کنید، ممکن است بخواهید نحوه عملکرد آن را به تفصیل برای مراجعه در آینده شرح دهید، و همچنین هرگونه تغییر در روش را در حین کار ثبت کنید. همچنین می‌توانید جزئیات برنامه مدیریت سرمایه خود را همراه با تنظیمات برنامه در حین کار ثبت کنید.

پس از مدتی معامله با یک روش خاص، می‌توانید نظراتی در مورد نحوه عملکرد آن و نحوه بهبود آن ارائه دهید. هر گونه اشتباهی که مرتکب شده‌اید نیز باید برجسته شود تا مطمئن شوید که همان اشتباهات را بارها و بارها تکرار نمی‌کنید.

شاید بخواهید در مورد احساس خود در آن زمان یا اگر مشکلات فنی داشته‌اید یا هرگونه مداخله خارجی دیگری که معاملات شما را مختل کرده است، نظر دهید.

مطالب زیادی وجود دارد که می‌توانید در یک ژورنال/دفترچه خاطرات معاملاتی قرار دهید، و این به شما بستگی دارد که آن را چقدر ساده یا پیچیده در نظر بگیرید.

در اینجا یک مثال از ورودی‌های ژورنال من آورده شده است. همه این‌ها با دست در یک کتاب بزرگ با خطی نوشته شده‌اند که فکر می‌کنم کمی سخت خوانده می‌شود و به نظر می‌رسد با افزایش سن بدتر می‌شود! اما از موضوع دور شدم.

قبل از شروع معامله، به ژورنال معاملاتی خود می‌روم، روز و تاریخ را می‌نویسم و به دنبال آن موجودی اولیه حسابم را ذکر می‌کنم. من عمدتاً یک معامله‌گر روزانه هستم، بنابراین هر روز برای من یک شروع جدید است و هیچ موقعیت بازی برای نگرانی ندارم. قوانین مدیریت سرمایه خود را از قبل می‌دانم زیرا در پلتفرم معاملاتی من بارگذاری شده‌اند، اما قبلاً این را در ژورنال نوشته‌ام. مستقیماً زیر روز و تاریخ، یک عنوان فرعی دیگر به نام "اخبار" قرار می‌دهم، و پس از بررسی تقویم اقتصادی فارکس فکتوری، زمان هر خبر مهم و ارزی که بر آن تأثیر می‌گذارد را یادداشت می‌کنم. برای من مهم نیست که خبر چیست، فقط زمان انتشار آن مهم است تا بتوانم برای آن آماده باشم.

بنابراین اطلاعات خبری من ممکن است چیزی به سادگی این باشد: ۱۰:۳۰ شب - USD

این به من می‌گوید که ساعت ۱۰:۳۰ شب به وقت محلی، خبر مهمی منتشر می‌شود که ممکن است بر دلار آمریکا تأثیر بگذارد. به همین سادگی و من یک زنگ هشدار روی تلفن همراهم تنظیم می‌کنم که در واقع یک ضبط صوتی از خودم دارد که می‌گویم "جیم، نمودارها را بررسی کن، زیرا خبر مهمی به زودی منتشر می‌شود". ممکن است احمقانه به نظر برسد، اما خانواده‌ام از همه چیز خبر دارند. سپس اگر بدانم چند ساعت وقت آزاد دارم، وارد معامله می‌شوم. اگر مجبور باشم ظرف یک ساعت یا بیشتر یکی از فرزندانم را بردارم، ممکن است تا پایان آن کار صبر کنم.

بسیار خب، اولین معامله باز شده است، و در اینجا نمونه‌ای از نحوه نوشتن آن آورده شده است. من از کمی اصطلاحات عامیانه استفاده می‌کنم و کلمات را مخفف می‌کنم، اما همه چیز را برای شما توضیح خواهم داد.

۶.۰۱pm @ ۱.۴۲۱۵ @ ۱.۲ EUR B حد ضرر -۲۰، هدف +۲۰

بازار با تمام سیگنال‌های صعودی در نمودار ۵ دقیقه‌ای به خوبی برگشته بود. همچنین نمودار ۶۰ دقیقه‌ای این را تایید کرد، زیرا قیمت پس از نوسان در بیشتر روز، اخیراً از MPL (خط پیوت

اصلی) به بالا جهش کرده بود.

تا ۱۵+ پیپ بالا رفت، بنابراین حد ضرر به ۱.۴۲۰۵ (۱۰- پیپ) منتقل شد.

در ساعت ۶:۲۳ بعد از ظهر در نقطه سر به سر (B/E) بسته شد زیرا بازار نزولی شده و کمی نامناسب به نظر می‌رسید.

باز هم بیش از ۱۰ پیپ در سود بودم و اجازه دادم از دست برود. این یک ورودی واقعی از ژورنال من در سه‌شنبه ۲۱ ژوئیه است. اولین معامله من برای آن روز. بنابراین می‌بینید که من EUR/USD را خریدم، با اندازه موقعیت، زمان، حد ضرر و هدف مشخص شده. اندازه موقعیت، حد ضرر و هدف همه از قبل در پلتفرم معاملاتی من تنظیم شده‌اند، بنابراین به طور خودکار اتفاق می‌افتند. سپس دلایل خود را برای انجام معامله بیان کردم زیرا تمام سیگنال‌های من در نمودار ۵ دقیقه‌ای صعودی بودند. سپس در مورد نمودار ۶۰ دقیقه‌ای نظر دادم، که MPL مخفف خط پیوت اصلی است. این با مدیریت معامله با بالا بردن حد ضرر و کاهش ریسک من با حرکت معامله به نفع من دنبال شد. سپس توضیح می‌دهم که چرا معامله را بستم زیرا از ظاهر نمودار ۵ دقیقه‌ای خوشم نیامد زیرا اندیکاتورها باید شروع به نزولی شدن کرده باشند. این شامل زمان بسته شدن و نتیجه است، و در این مورد در نقطه ورود یا نقطه سر به سر (B/E) بود. سپس ادامه می‌دهم و می‌گویم که حداقل باید مقداری سود از این معامله می‌گرفتم زیرا بیش از ۱۰ پیپ در سود بودم.

با بسته شدن هر معامله، من یک جمع کل پیپ‌های برنده یا بازنده را در حاشیه سمت چپ نگه می‌دارم، بنابراین می‌توانم با یک نگاه ببینم در آن روز کجا هستم. پس از رسیدن به هدفم، حد ضررها را خیلی نزدیک می‌کنم یا فقط معامله را می‌بندم. هیچ احساسی بهتر از قرار دادن یک معامله در وضعیت "بدون ضرر" نیست.

بنابراین می‌بینید که نسبتاً ساده است، اما در پایان روز چیزی برای بررسی به من می‌دهد تا ببینم چه کاری را درست یا اشتباه انجام داده‌ام. ممکن است در نهایت چند روش معاملاتی مختلف را امتحان کنید، و پس از چند ماه به ژورنال خود برگردید تا ببینید چه چیزی برای شما کار کرده و چه چیزی نه. ژورنال جزئیات بسیار بیشتری را نسبت به یک صفحه گسترده ساده با نتایج پوشش می‌دهد.

این تمام چیزی است که فعلاً برای به اشتراک گذاشتن دارم، بنابراین وقت آن رسیده است که ژورنال معاملاتی خود را سازماندهی کنید و برای شروع معامله آماده شوید....

فصل ۸

نتیجه‌گیری

این مرا به پایان این کتاب در مورد معامله‌گری فارکس می‌رساند.

باز هم از داناود این کتاب سپاسگزارم! امیدوارم به شما کمک کرده باشد تا درک خوبی از نحوه تنظیم و عملکرد کل بازار فارکس به دست آورید. من عمداً توضیحات را ساده و سراسر است نگه داشته‌ام تا همه بتوانند آن را درک کنند.

نیازی نیست با اصطلاحات فنی و پیچیده گیج شوید. درست مانند رانندگی با ماشین که نیازی نیست بدانید همه چیز چگونه کار می‌کند، تا زمانی که بدانید چگونه آن را برانید و قوانین راهنمایی و رانندگی را درک کنید. همین امر در مورد معامله‌گری فارکس نیز صدق می‌کند. برخی افراد سعی می‌کنند آن را سخت‌تر از آنچه هست جلوه دهند، اما با این حال، به سادگی آنچه به نظر می‌رسد نیست که یک معامله‌گر سودآور مداوم باشید. عوامل بسیار زیادی وجود دارد که باید در نظر گرفته شوند، اما مانند هر چیز دیگری، اگر به اندازه کافی تمرین کنید و از اشتباهات خود بیاموزید، می‌توانید جزئی از گروه کوچک معامله‌گران موفق شوید. شعار قبلی من را به یاد داشته باشید: صبر، شجاعت و انضباط.

سیستم معاملاتی جایزه

MT۴ و اندیکاتورها را از [اینجا](#) دانلود کنید.

پس از ارائه آدرس ایمیل مورد نظر خود در لینک بالا، ایمیلی حاوی یک پوشه "زیپ شده" از دراپ باکس دریافت خواهید کرد. لطفاً این پوشه را باز (از حالت فشرده خارج) کنید تا به موارد زیر دسترسی پیدا کنید:

۱. Instructions.pdf (همچنین در زیر ارائه شده است)

۲. قالب

Modified MACD.tpl

۵ عدد اندیکاتور سفارشی

MACD_Complete.ex۴

MACD_Platinum.ex۴

PIP-F_AFTRStop.ex۴

QMP Filter ۱.۰۱.ex۴

QQE ADV.ex۴

مقدمه

این سیستم فقط بر روی پلتفرم معاملاتی MT۴ کار خواهد کرد.

نسخه ۲ این ارائه در دسامبر ۲۰۱۵ تهیه شده است؛ بنابراین، هر نسخه MT۴ نزدیک به این تاریخ به خوبی کار خواهد کرد.

MT۴ پلتفرم متاتریدر ۴ است که توسط بسیاری از کارگزاری‌ها به صورت رایگان، چه در حساب‌های نمایشی و چه در حساب‌های واقعی، ارائه می‌شود. این پلتفرم متعلق به شرکت نرم‌افزاری Metaquotes است. جستجو در اینترنت برای MT۴، چندین کارگزاری معتبر را در نتایج اولیه ارائه می‌دهد که می‌توانید پلتفرم MT۴ را به صورت رایگان از آن‌ها دانلود کنید. استفاده از آن ساده است و اگر با مشکلی روبرو شدید، گوگل و یوتیوب نیز دسترسی به بسیاری از آموزش‌های رایگان را فراهم می‌کنند.

شما باید تا به حال آدرس ایمیل خود را ارائه داده باشید تا به طور خودکار قالب MACD اصلاح شده و تعدادی اندیکاتور سفارشی را دریافت کنید. برای نمایش صحیح قالب، باید تمام این اندیکاتورها را در پلتفرم MT۴ خود بارگذاری کنید.

قالب و اندیکاتورهای سفارشی

دستورالعمل نحوه بارگذاری یک قالب یا یک اندیکاتور سفارشی در پلتفرم MT۴ و نحوه نمایش آن‌ها در اینجا موجود است:

<http://bit.ly/MT4-load-indicators-and-template>

در این ویدیو اشاره‌ای به اندیکاتور ATR Stop نشده است و بعداً توضیح داده خواهد شد.

اندیکاتورهای مورد نیاز عبارتند از QMP Filter، MACD Platinum، QQE Adv و MACD Complete

در مورد اندیکاتورهای MACD Platinum و QQE Adv، نیازی به نمایش آن‌ها روی نمودار نیست، اما باید در پلتفرم MT۴ شما بارگذاری شوند زیرا این دو اندیکاتور مورد نیاز برای عملکرد QMP Filter هستند. ممکن است اکنون کمی گیج کننده به نظر برسد، اما به زودی همه چیز روشن خواهد شد.

هنگامی که قالب خود را بارگذاری می‌کنید، باید یک نمودار با پس زمینه خاکستری با یک SMA ۲۵ و یک LMA ۲۴۰ روی قیمت، و همچنین فیلتر QMP با نقاط قرمز و سبز مشاهده کنید. در زیر آن، یک MACD اصلاح شده با تنظیمات ۶،۱۲،۱ خواهید داشت. این با خط آبی تیره و همچنین سطح صفر نشان داده می‌شود.

در بالای آن MACD، یک خط نقطه‌چین نارنجی وجود دارد که در واقع MACD استاندارد ۱۲،۲۶،۹ است (بعداً توضیح داده خواهد شد). در زیر این ۲ MACD، یک MACD استاندارد سوم با هیستوگرام برجسته نیز خواهید داشت.

اگر از قالب من استفاده کرده باشید، نمودار شما باید چیزی شبیه به تصویر زیر در پلتفرم معاملاتی MT4 شما به نظر برسد:



افکار من در مورد معامله‌گری

هنگامی که اندیکاتورها را بارگذاری کردید و نمودارهای خود را به شکلی که دوست دارید تنظیم کردید (یا از قالب من استفاده کردید)، وقت شروع معامله است. در اینجا چند ایده در مورد نحوه معامله‌گری من وجود دارد و البته، انتخاب اینکه شما نیز این کار را انجام دهید یا خیر، کاملاً به خودتان بستگی دارد.

من ترجیح می‌دهم بر اساس نمودارهای ۴ ساعته یا روزانه معامله کنم. اگر وقت کافی برای تماشای صفحه نمایش داشته باشم، ممکن است به نمودارهای ۱ ساعته یا ۳۰ دقیقه‌ای نیز مراجعه کنم. دلیل معامله‌گری من کسب درآمد است تا مجبور نباشم در یک شغل "معمولی" کار کنم. معامله‌گری به من یک سبک زندگی می‌دهد که شامل ساعت‌ها نشستن جلوی کامپیوتر و خیره شدن به نمودارها نمی‌شود. من آن را بسیار ساده نگه می‌دارم و عموماً در جهت روند معامله می‌کنم زیرا طرفدار بزرگ سفارشات محدود نیستم. دوست دارم قیمت در حال حاضر در جهتی که من معامله می‌کنم حرکت کند. این را در مثال‌های نمودار خواهید دید.

من اندازه موقعیت را بسیار کوچک نگه می‌دارم، برای مثال ممکن است از ۰.۰۲ لات در حساب‌هایی با موجودی حدود ۵ تا ۱۰ هزار دلار، به خصوص در نمودارهای روزانه که ممکن است حد ضرر بزرگی داشته باشند، استفاده کنم. در نمودارهای ۴ ساعته و پایین‌تر، من عموماً اندازه موقعیت ۱ تا ۲ درصد ریسک در هر معامله را در نظر می‌گیرم، در حالی که از قبل تقریباً می‌دانم حد ضرر من کجا خواهد بود. صفحات گسترده اکسل رایگان در دسترس هستند که به طور خاص برای معامله‌گری فارکس طراحی شده‌اند تا در این محاسبات به شما کمک کنند. با این حال، لطفاً هنگام معامله چندین جفت ارز، از همبستگی (ریسک) ترکیبی آگاه باشید.

برای مثال: شما همزمان در موقعیت خرید GBP/USD، GBP/JPY و GBP/AUD هستید و خبر مهمی در مورد GBP منتشر می‌شود که فقط بر پوند انگلیس تأثیر زیادی خواهد گذاشت. مطمئناً ممکن است به نفع شما پیش برود، اما ممکن است اینطور نشود، و با ۳ معامله درگیر پوند، می‌تواند خیلی سریع دردناک شود. من معمولاً نمودارهای خود را با یک قالب یکسان بارگذاری می‌کنم، مهم نیست در چه تایم فریمی معامله می‌کنم. رویدادهای خبری هنگام معامله در نمودارهای روزانه زیاد نگرانم نمی‌کنند، اما در تایم فریم‌های کوچکتر مراقب آن‌ها خواهم بود.

سیگنال‌های ورود

برای سیگنال خرید یا فروش، حداقل ۳ مورد از ۴ مورد زیر باید اتفاق بیفتد، ترجیحاً هر ۴ مورد. مورد کاملاً حیاتی این است که MACD اصلاح شده (۶،۱۲،۱) باید سطح صفر را قطع کرده باشد، و این باید تأیید شده باشد. من معمولاً تمام معاملات خود را در بسته شدن/باز شدن هر تایم فریمی که معامله می‌کنم انجام می‌دهم. به ندرت در وسط کندل معامله می‌کنم مگر اینکه دستور توقف خرید یا فروش تعیین کرده باشم. پس از تأیید قطع شدن Mod MACD، باید یکی از موارد زیر همزمان یا قبل از آن رخ داده باشد:

۱. یک نقطه QMP Filter همرنگ. اگر Mod MACD از سطح صفر به پایین قطع کرده باشد، این نشان دهنده فروش است، بنابراین QMP Filter نیز باید یک نقطه قرمز برای فروش داشته باشد. اگر Mod MACD از سطح صفر به بالا قطع کرده باشد، این نشان دهنده خرید است و بنابراین به یک نقطه سبز در QMP Filter نیاز دارید. معمولاً، اما نه همیشه، QMP Filter اندیکاتور پیشرو است. این بدان معناست که قبل از هر چیز دیگری یک نقطه قرمز/سبز در آن مشاهده خواهید کرد که به شما هشدار می‌دهد ممکن است تغییر جهت در راه باشد.

۲. بسته شدن قیمت باید بسته به اینکه خرید می‌کنید یا می‌فروشید، بالاتر یا پایین‌تر از ۲۵ SMA باشد. بدیهی است برای خرید بالاتر و برای فروش پایین‌تر؛ و

۳. MACD استاندارد پایین باید تقاطع دو خط را به همان روش سیگنال خرید/فروش بالا داشته باشد. مهم نیست که این تقاطع نسبت به سطح صفر در این MACD کجا قرار دارد. و مهم

نیست که هیستوگرام چه چیزی را نشان می‌دهد. تمام چیزی که برای ما مهم است تقاطع دو خط MACD است.

در ادامه، چند نمونه از ورودها آورده شده است.

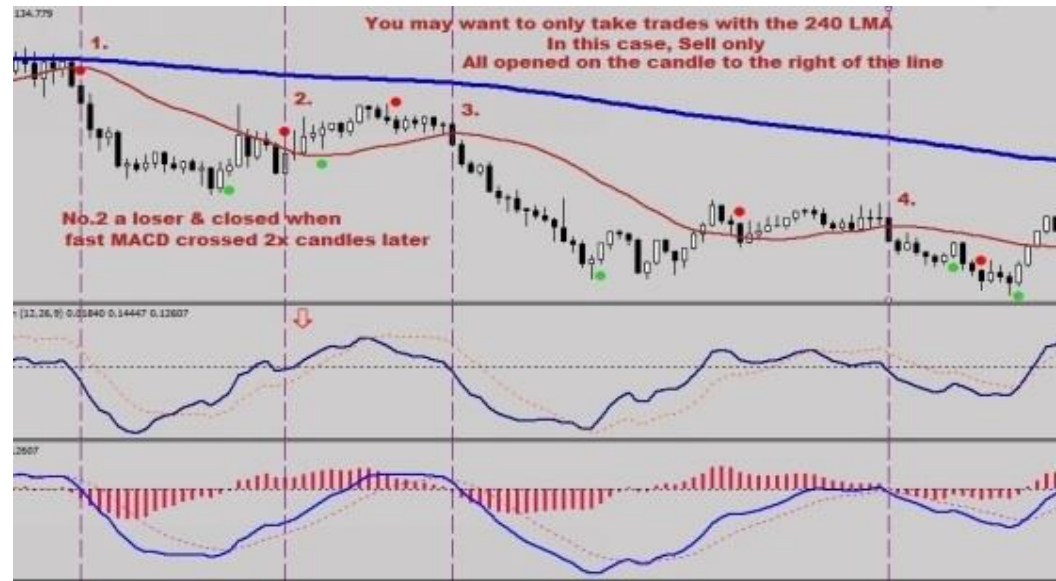


در تصویر بالا، مشاهده می‌کنید که نقطه قرمز فیلتر QMP ابتدا ظاهر شد و سپس تقاطع خطوط MACD پایین نیز سیگنال فروش را نشان داد. تنها زمانی که MACD سریع ۶،۱۲،۱ در مرکز از سطح صفر عبور کرد، ورود به فروش تایید شد.

به یاد داشته باشید، تا زمانی که آن MACD از سطح صفر عبور نکند و آن عبور با بسته شدن آن کندل تایید نشود، هیچ معامله‌ای وجود ندارد. معامله در باز شدن کندل سفید کوچک درست در سمت راست خط چین قرمز وارد می‌شود. قیمت همچنین زیر ۲۵ SMA بسته شد که فقط به تایید همه چیز کمک کرد و همانطور که می‌بینید، معامله بسیار خوبی بود.

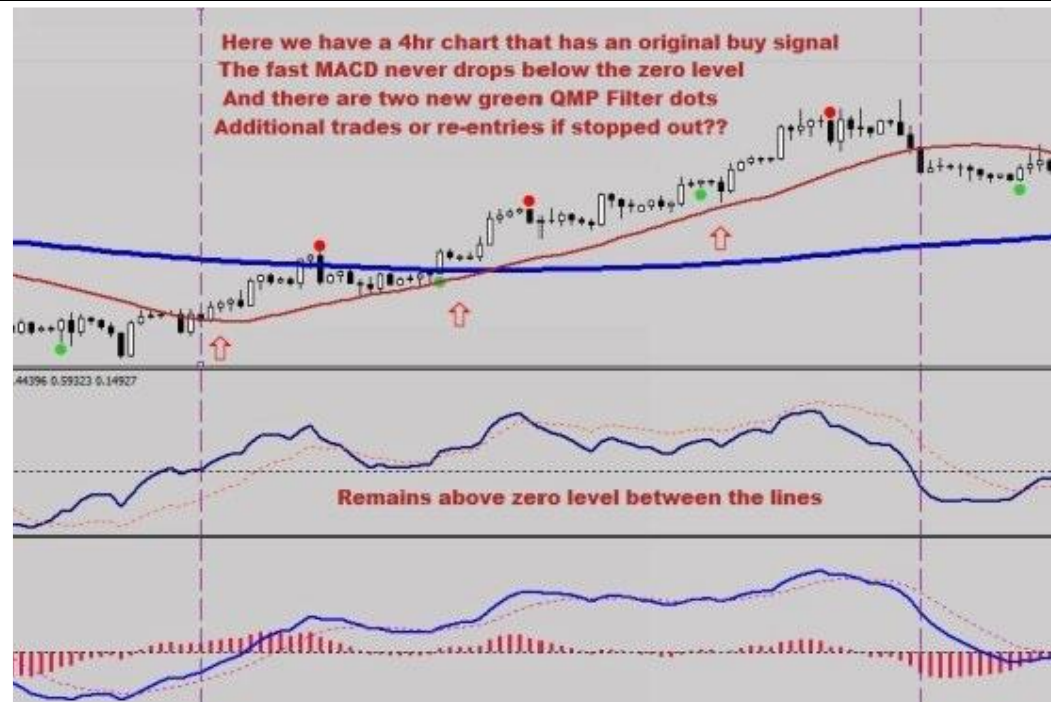


تصویر بالا همچنین ورودی‌های متعددی را در یک نمودار با هر دو حالت خرید و فروش نشان می‌دهد. تمام ورودی‌ها در باز شدن کندل سمت راست هر خط عمودی انجام شده‌اند. همانطور که می‌بینید، تا آخرین ورودی فروش، بقیه همگی فیلتر QMP را داشتند که نشانه‌ای زود هنگام از معاملات برگشتی قریب الوقوع می‌داد. معامله خرید دوم یک معامله ضررده بود، اما می‌بینید که معاملات دیگر قطعاً آن را جبران کردند.



در تصویر بالا، مثالی از وضعیتی را می‌بینید که ممکن است بخواهید فقط معاملاتی را انجام دهید که در جهت ۲۴۰ LMA (میانگین متحرک نمایی ۲۴۰ دوره‌ای) حرکت می‌کنند. در اینجا تمام فعالیت‌ها زیر ۲۴۰ LMA قرار دارند و می‌بینید که ۲۵ SMA (میانگین متحرک ساده ۲۵ دوره‌ای) نیز زیر آن است، بنابراین من فقط معاملات فروش انجام می‌دهم و تمام سیگنال‌های خرید را نادیده می‌گیرم. معمولاً اگر در تایم فریم‌های کوچکتر معامله می‌کردم، این سبک معامله را ترجیح می‌دادم. به وضوح می‌بینید که در اینجا ۴ معامله فروش انجام شده است. معامله شماره ۲ قطعاً ضررده بود، اما به سرعت و زمانی که MACD سریع میانه ۶,۱۲,۱ دوباره از خط صفر عبور کرد، بسته شد. من این موضوع را در زیر با جزئیات بیشتری توضیح می‌دهم. اما باز هم، معاملات سودده قطعاً آن ضرر را جبران می‌کردند. حتی ممکن است بخواهید در یک زمان معین معامله کنید، مثلاً اگر در تایم فریم ۵ دقیقه‌ای معامله می‌کنید، فقط ۳ ساعت اول جلسه لندن. این کاملاً به شما بستگی دارد. احتمال دیگر این است که به یک تایم فریم بالاتر نگاه کنید و یک روند اصلی را شناسایی کنید و سپس به تایم فریم‌های پایین‌تر بروید و فقط معاملاتی را در همان جهت انجام دهید. گزینه‌های زیادی در دسترس شماست.

گزینه دیگر می‌تواند در نظر گرفتن ورود مجدد در صورت استاپ خوردن قبلی یا حتی ورودهای اضافی باشد. ممکن است یک روند اصلی قوی در یک جهت با باز شدن خطوط میانگین متحرک وجود داشته باشد، و شما یک ورود اولیه به این روند داشته‌اید، اما اکنون MACD سریع به طور کامل از سطح صفر دور می‌ماند، در حالی که فیلتر QMP سیگنال‌های جدیدی در همان جهت در پولبک‌ها تولید می‌کند. این یک فرصت عالی برای ورود به معاملات بیشتر در همان جهت است، با این حال، هنگام انجام این کار، مراقب حجم موقعیت و ریسک کلی باشید زیرا در نهایت آن روند به پایان خواهد رسید. با این حال، این می‌تواند یک روش هوشمندانه برای معامله باشد.



در تصویر بالا، یک روند صعودی خوب را مشاهده می‌کنید. اولین معامله خرید دقیقاً در سمت راست خط عمودی سمت چپ علامت داده شد. با پیشرفت روند به سمت بالا، چند پولبک (بازگشت قیمت) وجود داشت که با نقاط قرمز فیلتر QMP نشان داده شده‌اند. این پولبک‌ها به اندازه‌ای قوی نبودند که MACD سریع ۶,۱۲,۱ را دوباره به زیر سطح صفر برگردانند، که در نتیجه نقاط سبز فیلتر QMP بیشتری در ادامه روند ظاهر شدند. آیا موقعیت‌های خرید بیشتری باز کنیم؟ این به شما بستگی دارد.

مدیریت معامله

این تصمیم شماست که حد ضرر را کجا قرار دهید. من معمولاً نزدیک ناحیه اوج/کف قبلی یا در طرف دیگر میانگین‌های متحرک در صورت نزدیک بودن آن‌ها قرار می‌دهم. حتی ممکن است درست بالای/زیر کندلی که سیگنال فیلتر QMP در آن صادر شده یا کندل ورود واقعی در نظر بگیرم. همچنین می‌توانید در این زمان اندیکاتور ATR Stop را به نمودار اضافه کنید و از سطحی در طرف دیگر آن استفاده کنید، اگر قیمت در زمان ورود در طرف درست باشد. گاهی اوقات اینطور نیست که مشکلی ندارد. من همچنان معامله را انجام خواهم داد.



در تصویر بالا، اندیکاتور ATR Stop را به نمودار در همان معامله فروش که به عنوان مثال استفاده می‌کردم، اضافه کرده‌ام. این اندیکاتور با خطوط قرمز و آبی پله‌ای در بالا و پایین قیمت دیده می‌شود. می‌بینید که چگونه در این روند نزولی بزرگ به خوبی من را در معامله نگه داشت. من معمولاً قیمت را کمی بالاتر از آن در معامله فروش یا کمی پایین‌تر از آن در معامله خرید نگه می‌دارم. مواقعی وجود دارد که قیمت فقط از ATR Stop عبور می‌کند و سپس روند اصلی را از سر می‌گیرد، بنابراین بهتر است یک حاشیه امن کوچک برای خود در نظر بگیرید. در اینجا می‌بینید که چگونه نزدیک کف روند من را متوقف می‌کرد. همیشه کار نمی‌کند، اما هنگامی که یک روند شروع به شکل‌گیری می‌کند، افزودن آن به نمودار مفید است. من آن را تا زمانی که به آن نیاز نداشته باشم از نمودارها حذف می‌کنم، زیرا تا حدودی نمودار را شلوغ می‌کند.

اگر در جهت LMA ۲۴۰ معامله می‌کنم، از آن به عنوان یک هدف احتمالی استفاده می‌کنم. حداقل نیمی از موقعیت خود را اگر به این ناحیه برسد، می‌بندم. همچنین دید خوبی از روند کلی به من می‌دهد، جایی که ممکن است فقط معاملاتی را انجام دهم که از آن دور می‌شوند و معاملات بازگشتی به سمت آن را نادیده بگیرم.

تعیین سود یا استفاده از حد ضرر متحرک به فرد بستگی دارد. می‌توانید از ATR Stop که ارائه کردم استفاده کنید. این در تایم فریم‌های بزرگتر به خوبی کار می‌کند. خط نقطه‌چین MACD استاندارد که روی Mod MACD قرار گرفته نیز می‌تواند مفید باشد. این دو MACD، اگرچه در یک پنجره هستند، اما در واقع مستقل از یکدیگر کار می‌کنند و می‌توانند بسیار پویا باشند. موافقی وجود دارد که پس از مدتی قرار گرفتن در یک روند مناسب، این دو خط یکدیگر را قطع می‌کنند، که ممکن است نشان دهنده پایان یا کاهش قدرت روند باشد. این اتفاق همیشه نمی‌افتد، اما اغلب آن را خواهید دید. این زمان خوبی برای برداشت مقداری سود یا تنگ کردن حد ضرر است. هیستوگرام نیز دیدی از مومنتوم به من می‌دهد و چیزی است که برای نشانه اولیه آن را زیر نظر دارم.



تصویر بالا یکی از همان مثال‌های معامله قبلی را نشان می‌دهد. در اینجا می‌بینید که MACD های میانی یک تقاطع خط را نشان می‌دهند که با فلش مشخص شده است. حالا به یاد داشته باشید که این دو MACD مستقل از یکدیگر کار می‌کنند و آن نقطه تقاطع ممکن است با جابجایی نمودار در صفحه نمایش شما تغییر کند. اما به طور کلی، اگر این در سمت راست نمودار شما در زمان واقعی ظاهر شود، آنگاه به فکر تنگ‌تر کردن حد ضرر یا بستن بخشی از موقعیت خود (یا هر دو) باشید. همچنین می‌توانید ببینید که هیستوگرام در MACD پایین‌تر شروع به از دست دادن مومنتوم کرده است. سپس نقطه سبز روی فیلتر QMP وجود دارد که یک هشدار زودهنگام دیگر است مبنی بر اینکه قیمت می‌تواند تغییر جهت دهد. و حالا با نگاهی به تصویر، واگرایی بین قیمت و MACD سریع ۶,۱۲,۱ را نیز می‌بینم. بنابراین نشانه‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد به احتمال زیاد یک بازگشت قیمت در راه است.

چه زمانی از معامله خارج شویم؟

من همیشه اگر (۶,۱۲,۱) Mod MACD به طرف دیگر سطح صفر عبور کند (و تأیید شود) خارج خواهم شد. همیشه!

تنها استثنایی که ممکن است در نظر بگیرم زمانی است که اخبار مهمی به زودی منتشر می‌شود و من در حال حاضر در معامله‌ای هستم که یا ضرر کمی دارد یا سود کمی دارد. اگر سیگنال جدیدی در جهت مخالف وجود داشته باشد، ممکن است وارد آن معامله نیز بشوم تا با انتشار خبر، هر دو جهت را پوشش داده باشم. هر دو، با حد ضرر تعیین شده. این برای کسانی که اجازه هج کردن ندارند (عمدتاً مشتریان مستقر در ایالات متحده) امکان پذیر نیست، بنابراین در آن صورت من با جهت معامله تأیید شده پیش می‌روم و دیگری را می‌بندم. حالا ممکن است با سیگنال جدید فیلتر QMP تغییر جهت داشته باشید، که بسیار رایج است، اما بقیه موارد دست نخورده باقی می‌مانند. در اینجا من در معامله می‌مانم و حتی ممکن است حد ضرر خود را تنگ‌تر کنم. اما اگر MACD استاندارد پایین‌تر نیز تغییر جهت دهد و وضعیت قیمت نامناسب شود، ممکن است به طور کلی از معامله خارج شوم.



تصویر بالا نشان می‌دهد که این روش چگونه می‌تواند واقعاً نامطلوب شود. این معمولاً در بازارهای رنج (sideways)، به ویژه در تایم فریم‌های پایین‌تر و در زمان‌های بسیار آرام روز معاملاتی رخ می‌دهد. مثال بالا مربوط به نمودار ۱۵ دقیقه‌ای GBP/JPY است و بین آن دو خط عمودی، انتهای جلسه معاملاتی ایالات متحده و شروع جلسه معاملاتی آسیا قرار دارد. نقاط قرمز و سبز زیادی روی فیلتر QMP دیده می‌شود، اما به یاد داشته باشید که MACD سریع ۶,۱۲,۱ در وسط و نحوه حرکت آن در اطراف سطح صفر را زیر نظر داشته باشید. این در واقع یک جفت ارز بسیار خوب برای معامله در این تایم فریم است، اما به طور کلی در جلسات معاملاتی شلوغ بسیار بهتر عمل می‌کند.

بهترین راه برای بررسی این موضوع این است که الگو را روی چند جفت ارز مختلف در چند تایم فریم مختلف قرار دهید و به صورت دستی آن را بک تست کنید تا ببینید چگونه کار می‌کند. از ویژگی Data Window در MTF خود برای بررسی و تأیید عبور خطوط خاص در صورت تردید استفاده کنید. همچنین استفاده از ابزار Crosshair می‌تواند بسیار مفید باشد. من در حال ساخت یک اندیکاتور MACD جدید هستم که چیزی شبیه به فیلتر QMP با نقاط سبز/قرمز برای نشان دادن تقاطع‌ها دارد، اما ممکن است چند هفته طول بکشد.

من یک ویدیوی یوتیوب با چند نمونه معامله و همچنین بحث در مورد مدیریت معامله آماده کرده‌ام:

<http://bit.ly/mod-MACD-trade-examples>

نتیجه‌گیری

سادگی این سیستم شما را دچار اشتباه نکند. این سیستم ساده، بسیار مکانیکی و در صورت حفظ نظم، می‌تواند بسیار سودآور باشد. آنچه ارائه کرده‌ام باید یک چارچوب عالی برای توسعه سیستم خودتان با اندیکاتورهای منتخب، فیبوناچی، پیوت‌ها، سطوح حمایت/مقاومت و غیره در اختیار شما قرار دهد که می‌توانید به تناسب به آن اضافه کنید. مانند تمام معاملات، سخت‌ترین تصمیم تعیین زمان برداشت سود است و پاسخ ساده‌ای برای آن وجود ندارد. همانطور که قبلاً گفتم، حجم موقعیت خود را نسبتاً کوچک، ریسک خود را کم نگه دارید و از موقعیت‌های سودده خارج شوید. اگر تغییر روند وجود دارد، از معامله خارج شوید. اگر می‌توانید ببینید یا گمان می‌کنید که یک بازگشت قیمت در راه است، نیازی نیست منتظر فعال شدن حد ضرر باشید. از ATR Stop برای دنبال کردن حد ضرر در یک فاصله امن استفاده کنید. هر معامله‌گری عاشق این است که معامله‌ای با ریسک صفر داشته باشد، زیرا حد ضرر شما در طرف سودآور ورودتان قرار دارد.

آنچه را که در اینجا به شما نشان داده‌ام بگیرید و آن را مطابق با سبک معاملاتی خود تغییر دهید. برای همه شما در معاملات فارکس آرزوی موفقیت دارم و اگر سوالی دارید یا فقط می‌خواهید در مورد فارکس صحبت کنید، می‌توانید از طریق ایمیل با من تماس بگیرید:

jagfx۳۳@gmail.com

نقد و بررسی در آمازون

اگر از این کتاب بهره برده‌اید، بسیار مفید خواهد بود اگر لحظه‌ای وقت بگذارید و در آمازون امتیاز و نظر خود را ثبت کنید، اگر قبلاً فرصت انجام این کار را نداشته‌اید. برای راحتی شما، این لینک شما را مستقیماً به جایی که کتاب را خریداری کرده‌اید بازمی‌گرداند تا این کار را انجام دهید. همچنین، از لینک زیر نیز می‌توانید استفاده کنید:

<http://lrd.to/Forex-Trading-Basics> لینک بین‌المللی آمازون:

با آرزوی بهترین‌ها،

جیم

مطالعه پیشنهادی

معامله با احتمال بالا: گام‌هایی برای تبدیل شدن به یک معامله‌گر موفق، ویرایش اول

مارسل لینک

کتاب کوچک جادوگران بازار: درس‌هایی از بزرگترین معامله‌گران

جک دی. شوگر

ماجرای یک معامله‌گر ارز: داستانی تمثیلی درباره معامله‌گری، شجاعت و انجام کار درست (وایلی تریدینگ)

راب بوکر

معامله موجودی: چگونه حساب معاملاتی خود را مانند یک مدیر موجودی خرده‌فروشی اداره می‌کنم

شان کمپبل

معامله‌گری در ناحیه: تسلط بر بازار با اعتماد به نفس، نظم و یک ذهنیت برنده

مارک داگلاس

انجمن‌های پیشنهادی

فارکس فکتوری

<http://www.forexfactory.com/forum.php>

فارکس TSD

<http://www.forex-tsd.com>

استیو هاپوود

<http://www.stevehopwoodforex.com/phpBB3/index.php>

بیبی پیپس

<http://www.babypips.com>

دونا فارکس

<http://www.donnaforex.com/index.php?PHPSESSID=cf9bbe02f96eeb902218dd15dc4534c1;wwwRedirect>